

صدا و نماز را با کبریا بپذیر
آن چنان که شایسته تو باشم.

مهر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سه روز تاجی زہایت

گردآورنده:

حجت الاسلام محمد تقی وکیل پور

محمد بادفر

بہ سفارش:

ادارہ کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی





فهرست



۷	مقدمه
۱۰	رویکرد اعتکاف
۱۳	اعتکاف دانش آموزی
۱۳	شناسایی مسجد
۱۵	مخاطب شناسی دانش آموزان
۱۶	معاونت‌ها
۲۹	رسانه
۳۰	تبلیغات و اطلاع رسانی
۳۱	جلسه با خانواده‌ها پیش از اعتکاف
۳۲	دکور و فضا سازی
۳۵	پشتیبانی و تدارکات
۳۵	الف) قبل از اعتکاف
۳۶	ب) در هنگام اعتکاف
۳۷	ج) بعد از اعتکاف
۳۷	نیرو انسانی و ثبت نام:
۳۸	اتاق صوت
۳۸	انتظامات
۳۹	مالی
۴۱	برنامه روزانه
۴۱	ویژه برنامه شب اول: هیئت میلاد امام علی <small>ع</small>
۴۳	ویژه برنامه شب دوم: یادواره شهدا
۴۴	ویژه برنامه شب سوم: هیئت شهادت حضرت زینب <small>ع</small>
۴۵	ویژه برنامه روز چهارم

۴۷	محتوای حلقه‌های دانش‌آموزان (اعتکاف ۱۴۰۱)
۴۷	مقدمه
۴۸	معرفی امیرالمؤمنین علی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵۴	معرفی حضرت مهدی <small>عَجَلُ الْوَعْدِ</small> و وظایف ما نسبت به ایشان
۵۶	آشنایی با شهدا و رفاقت با آنها
۵۷	وظیفه ما در جامعه
۵۹	روایتگری دانش‌آموزی
۷۳	سخنرانی دانش‌آموزی
۷۷	آثار و نتایج
۷۹	بازی‌های اعتکاف
۷۹	الف) بازی‌های مفهومی
۸۲	ب) بازی‌های تحرکی
۸۳	ج) بازی‌های درون حلقه‌ای
۸۵	پوستر شهدا
۸۶	فهرست برنامه

مقدمه



انتقال مفاهیم دینی و یاد دادن به متریان، روش‌های گوناگونی دارد. شنیدار و دیدار از جمله روش‌های انتقال محتوا و مفاهیم است؛ مثل قصه گفتن یا نشان دادن تصاویر هنگام گفت‌وگو، که قطعاً اثرگذاری مفاهیم بیشتر می‌شود. برای مثال: وقتی درباره فقر و انفاق صحبت می‌کنی و تصاویری از یاری رساندن به ضعفا یا چهره یک فقیر را نشان می‌دهی، مطمئناً نفوذ مفاهیم در قلب مُتریان بسیار بیشتر است.

اما مهم‌ترین طریق، چشیدنی است. وقتی متربی می‌خواهد مفهوم انفاق و ارتباط آن با فقر را درک کند، دست او را می‌گیرد و به میدان عمل می‌برد؛ یعنی کاری می‌کند که او با دست خودش دستگیری کند. اعتکاف از جنس چشیدنی است؛ یعنی آنچه می‌خواهیم در قالب شنیدن و دیدن انتقال دهد، خودش حس می‌کند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند که این جوانان، اهل اربعین، اعتکاف، هیئت و... هستند، و همه‌ی این‌ها از جنس چشیدنی‌هاست. روایت است که وقتی می‌خواهید به فقیر کمک کنید، به دست فرزندان‌تان به او کمک کنید و اگر در این هنگام دست فرزند را ببوسید، دست خدا را بوسیده‌اید.

اکنون به برخی از بیانات امام خامنه‌ای درباره اعتکاف می‌پردازیم:

«ما یک مجموعه‌ی بزرگ جوان داریم که مؤمنند، متدینند، انقلابی‌اند، اهل توسلند، اهل شور و عشق به معنویتند. این چیز کمی نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ خیلی چیز بزرگی است. عده‌ای اهل قرآنند، عده‌ای اهل اعتکافند،

عده‌ای اهل پیاده‌رویِ اربعینند، عده‌ای اهل ایستادگی در میدان‌های انقلاب و در مظاهر انقلابند. این خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است؛ دشمن با همه‌ی اینها مخالف است». ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

«این گرایشی که امروز در محیط جوان کشور به معنویات وجود دارد، خیلی با ارزش است؛ این شب‌های اُحیاء، این مجالس توسّل، این اعتکاف‌ها، این دعا‌های کمیل، دعای ابوحزمه، این همه جوان، این اشک‌ها، این توجّه‌ها، خیلی قیمت دارد. اینها را نگه دارید؛ اینها ارزش دارد. ارزشش هم فقط برای شخص خود شما نیست؛ برای کشور ارزش دارد». ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

«اعتکاف جای عبادت است؛ البتّه عبادت فقط هم نماز خواندن نیست؛ تماس خوب با معتکفین، ارتباط دوستانه و برادرانه، فراگیری از آنها، تعلیم‌دهی به آنها، معاشرت اسلامی را تجربه کردن و آموختن؛ همه‌ی اینها فرصت‌هایی است که در اعتکاف ممکن است پیش بیاید؛ [برای] این باید برنامه‌ریزی بشود». ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

«سه روز روزه‌داری و انقطاع از دنباله‌های متعارف زندگی و توجّه به خدای متعال و به معنویات و به معارف و به توحید؛ اینها خیلی با ارزش است. مراقب باشید این درست انجام بگیرد؛ درست هدایت بشود. گویندگان خوبی باشند، بروند حرف بزنند، معارف دینی را به آنها یاد بدهند. از جنجال‌های گوناگونی [هم] که در حاشیه‌سازی‌های معمول جامعه نقش دارند، پرهیز بشود و این سه روز را بگذاریم برای جهات معنوی». ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

«در عرصه معنویات، دشمن می‌خواهد که مردم ما - به خصوص جوانانمان - از معنویات دور شوند؛ اما مجالس و اجتماعات دینی و عبادی و مساجد و نمازهای جماعت، از حضور جوانان سرشار و مشحون است؛ حتی مثلاً اعتکاف که یک مستحب بسیار مهمّی است و مخصوص کسانی بوده است که در گذشته، به امور مستحبه توجه زیادی می‌کردند. دیدیم که جوانان - حتی

جوانان دانشجو - اعتکاف می‌کنند و تعداد اعتکاف‌کنندگان زیاد بودند. بنابراین، جوانان ما به معنویات توجه کردند». ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

«چقدر منظره‌ی زیبا و معطره‌ی است که جمع‌کثیری از جوان‌های ما برخلاف سیره‌ی متعارف جوان‌های دنیا که غرق در شهوات و تمایلات نفسانی هستند، روزها و شب‌هایی را روزه بگیرند! بروند در یک مسجدی بنشینند، اعتکاف کنند؛ شب و روزشان را ذکر و فکر و شنیدن معارف الهی و شنیدن احکام و مذاکره‌ی علم حقیقی - که علم توحید است - قرار دهند. این خیلی چیز مهمی است. اینها از برکت انقلاب است». ۱۳۹۲/۰۲/۲۵

«من به این نسل جوان خودمان خیلی اعتقاد دارم. من معتقدم با این همه عوامل مخرب، در عین حال نسل جوان ما نمایش‌های دینی و اعتقادی به مراتب عمیق‌تر، جذاب‌تر و پرمغزتر و پرمعناتر است. حالا همین روزها، روزهای اعتکاف است؛ ماه رمضان‌ش یک جور دیگر، ایام توسلات یک جور دیگر، نوع ورودشان در میدان‌های مقابله‌ی نظام با دستگاه‌های بین‌المللی یک جور دیگر است». ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

«امروز روز سیزدهم رجب است؛ روز شروع اعتکاف است. شما ببینید هزاران نفر جوان ما، امروز رفته‌اند و در مساجد گوناگون نشسته‌اند و مشغول اعتکاف شده‌اند. با دهان روزه، با شکم خالی و لب‌های تشنه با خدای متعال تضرع می‌کنند و حرف می‌زنند. این خیلی ارزش دارد؛ این اعتکاف را ملت ما خیلی قدر بدانند». ۱۳۸۷/۰۴/۲۶

«توصیه‌ی من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید». ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

رویکرد اعتکاف

خدا را شاکریم که بعد از سه سال کرونایی، قرار است سه روز را در خانه خدا، به مهمانی بگذرانیم. چقدر دلمان تنگ شده بود برای مناجات‌های نیمه شب، خلوت‌های سحر، نمازهای اول وقت، درد دل با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، افطاری و سحری‌های آن.

خدا را شاکریم که رزق امسال ما، اعتکاف شد؛ اما با تفاوتی بسیار بزرگ نسبت به اعتکاف سال‌های قبل از کرونا! امسال اولین اعتکاف بدون حاج قاسم است! حاج قاسمی که با شهادتش، دل‌های همه را داغدار و حال همه را دگرگون کرد! حاج قاسمی که تمام عمر خود را صرف انقلاب و نظام کرد، تا بالاخره در این راه به شهادت رسید.

وقتی مناجات‌های حاج قاسم با خدا را می‌خوانیم و می‌شنویم، بالاترین معارف را در آنها مشاهده می‌کنیم. مناجات‌هایی که تلاش‌های بی‌کران حاج قاسم را در این عرصه نمایان می‌کند؛ آن‌جا که می‌گوید: خدایا! در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم.

حاج قاسم در خلوت‌ها و نمازهای نیمه شب خود، با چشمانی اشکبار از خدای خویش این‌گونه درخواست می‌کرد: یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم.

حاج قاسم در تمام عمر پربرکتش، به دنبال رابطه خود با خدای خویش بود؛ از این رو خداوند نیز همه را شیفته و عاشق او کرد، تا جایی که همه، با هر شکل و ظاهری، عاشقش بودند و هستند و به او تعصب دارند.

حاج قاسمی که حضرت امام خامنه‌ای در وصف ایشان می‌فرماید:

«آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و وا همه نمی‌کند و در همه‌ی میدان‌ها

نه خستگی می فهمد، نه سرما می فهمد، نه گرما می فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی توانست [جلوی دشمن] برود».

یعنی آن چه باعث شد، حاج قاسم تمام این سختی ها را تحمل کند و تاب بیاورد، همین جهاد با نفس او بود؛ همین ارتباط قوی و مستحکم او با خدایش بود.

ما هم که در اعتکاف به دنبال اصلاح رابطه دانش آموزان با خدای متعال هستیم، باید از این میراث حاج قاسم وام بگیریم؛ چراکه مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

«سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم».

این بیانات دقیق و شیوا، بیانگر این حقیقت است که باید حاج قاسم را الگوی خود و نسل جدید قرار دهیم.

با حاج قاسم است که می توان حال این نسل را خوب کرد!

با حاج قاسم است که می توان سبک زندگی آنان را درست کرد!

با حاج قاسم است که می توان روحیه مقاومت را در آنان ایجاد کرد!

بی شک باید پذیرفت که نسل جدید نیز به راحتی با این مرد آسمانی ارتباط برقرار می کند و ما از این راه می توانیم نوجوانان را پای کار جهاد تبیین امام خامنه ای بیاوریم. در این سه روز باید بتوانیم دست آنان را در دستان آسمانی حاج قاسم بگذاریم تا پلی شود برای خدایی شدن آنان.

از این رو بنا داریم حال و هوای اعتکاف را با یاد حاج قاسم عطر آگین کنیم و بیاراییم؛ از استقبال و فضا سازی گرفته تا ارائه محتوا.

و چقدر زیباست که ارتباط دانش‌آموزان با خداوند، از جنس ارتباط حاج قاسم با خدا باشد! چقدر زیباست که دانش‌آموزان، همراه با حاج قاسم، معتکف آستان خداوند باشند. حاج قاسمی که راه و رسم بندگی و عاشقی با خدای متعال را می‌داند و چه زیبا گفت: «خدایا مرا بپذیر، آنچنان که شایسته تو باشم».

اعتکاف دانش آموزی



این کتابچه با رویکرد برگزاری عملیاتی اعتکاف دانش آموزی تجربه نگاری شده است تا مورد استفاده مجموعه هایی که به دنبال برگزاری اعتکاف دانش آموزی هستند، باشد. البته این جزوه بی عیب و نقص نیست؛ لذا ایرادات یا طرح های پیشنهادی را حتماً برای ما ارسال کنید تا ان شاء الله از طرح های شما بزرگواران استفاده شود.

شناسایی مسجد

اولین گام در برگزاری اعتکاف، توجه به انتخاب مسجد است. برخی از ویژگی های محل اعتکاف از این قرار است:

الف) ویژگی های ظاهری و موقعیت جغرافیایی

۱. دسترسی محلی آسان برای معتکفین، مریبان و والدین؛
۲. شناسایی نزدیک ترین درمانگاه، نانوائی، سوپرمارکت، رستوران و...؛
۳. مسجد دورافتاده و دور از انظار عمومی مردم نباشد؛ بلکه باید در دید مردم باشد و برپایی اعتکاف توجه اهالی را جلب کند؛
۴. دیوار به دیوار منزل مسکونی نباشد تا موجب سلب آسایش آنها نشود؛
۵. جای کافی برای پارک وسایل نقلیه داشته باشد؛
۶. نزدیک حسینیه یا مقبره شهدا یا مکانی باشد که امکان برگزاری مراسم جشن شب اول را داشته باشد؛

۷. داشتن پیشینه معنوی و سیاسی خوب؛
۸. مردم‌شناسی و محیط‌شناسی محل. برخی از محله‌ها با مشکل امنیت یا نبود بافت فرهنگی مناسب روبه‌رو هستند.

ب) فضای داخلی مسجد

۱. برخورداری از ظرفیت مناسب؛ مخصوصاً در زمان بیتوته فضای مناسب برای معتکفین موجود باشد؛
۲. سرویس بهداشتی سالم (حمام و دستشویی) به تعداد لازم؛
۳. آب گرم مسجد سرویس و حمام‌ها؛
۴. علامت‌گذاری حیطة مسجد از نظر صیغه شرعی آن؛
۵. آبدارخانه سالم و قابل استفاده و مجهز؛
۶. مسجد در حال تعمیرات نباشد؛
۷. بنای مسجد به‌گونه‌ای نباشد که متربی دور از دید مریبان مخفی شود؛
۸. سیستم گرمایشی و سرمایشی سالم؛
۹. سیستم صوت مناسب؛
۱۰. نور مناسب؛
۱۱. جاکفشی؛
۱۲. برخورداری از نظافت عمومی مطلوب؛ مثلاً فرش تمیز باشد و بوی نامطلوب ندهد. و...؛
۱۳. تعداد متناسب قرآن و مهر و کتاب‌های دعا به تعداد نمازگزاران و معتکفین؛
۱۴. داشتن کپسول آتشنشانی به‌روز و جعبه کمک‌های اولیه؛
۱۵. مکان اعتکاف کاملاً در اختیار دانش‌آموزان معتکف باشد و برنامه‌های جنبی مسجد لغو شود؛ زیرا سبب تداخل با برنامه‌های فرهنگی معتکفین نشود؛ مانند دعای کمیل و توسل و دعای ندبه؛ زیرا بچه‌ها غالباً تا

سحر بیدارند و بعد از نماز صبح استراحت می‌کنند. همچنین از تردد غیرمعتکفین در ایام اعتکاف جلوگیری شود؛

۱۶. دارا بودن اتاقی مخصوص برای استراحت کادر اجرایی؛

۱۷. ترک کردن مسجد پس از نماز مغرب و عشاء برای افطاری معتکفین.

مخاطب شناسی دانش آموزان

دومین گام در برگزاری اعتکاف، توجه به مخاطب است. از آن جاکه مخاطب هدف ما در برگزاری اعتکاف، دانش‌آموزان می‌باشند، به برخی از ویژگی‌های آنان اشاره می‌شود:

الف) ویژگی‌های عمومی

۱. سن (اختلاف سنی در میان دانش‌آموزان زیاد نباشد یا در دسته‌های جداگانه حلقه شوند)؛

۲. شهر؛

۳. مقطع تحصیلی؛

۴. نزدیکی قومی و فرهنگی.

ب) ویژگی‌های خصوصی

بررسی خصوصیات روحی و اخلاقی دانش‌آموزان توسط مشاوران قبل از آغاز اعتکاف

نکته: شناسایی باید حداکثر تا یک ماه قبل از برگزاری اعتکاف انجام شود تا برنامه‌ریزی دقیق صورت گیرد.

برای انجام تشکیلاتی امور و عدم تداخل برنامه‌ها با یکدیگر، ضروری است که معاونت‌هایی اختصاصی برای برگزاری هرچه بهتر اعتکاف تشکیل شود. در ذیل به معاونت‌ها و شرح وظایف آنان اشاره می‌شود:

معاونت‌ها

فرهنگی

شرح وظایف

۱. آماده‌سازی سین برنامه‌های فرهنگی قبل از شروع اعتکاف؛
۲. آماده‌سازی محتوای فرهنگی از فایل‌های مداحی، مناجات‌ها، ورزش صبحگاهی، پخش کلیپ و...؛
۳. آماده‌سازی ابزارهای فرهنگی؛ مانند ویدئو پروژکتور؛
۴. مدیریت برگزاری ویژه‌برنامه با معاونت فرهنگی می‌باشد؛
۵. مجری مجرب، اخلاق‌مدار، صبور، خلاق، خوش‌بین، برای برگزاری مسابقات و مدیریت برنامه‌ها (مانند خواندن دعای سفره، بیان لطیفه‌های زیبا و...).

برنامه‌های فرهنگی

اعتکاف دانش‌آموزی ویژگی‌های خود را دارد. برای مثال: اعتکاف، خلوت‌کردن و تنهاشدن با خدای متعال است تا معتکف بیشتر با خدای خود خلوت کند؛ اما اعتکاف دانش‌آموزی این‌گونه نیست؛ زیرا اگر دانش‌آموز برنامه نداشته باشد، او برای شما برنامه‌ریزی می‌کند. لذا آن هدف مدنظر معتکف دنبال نمی‌شود. بنابراین لازم است برنامه کاملی برای همه زمان‌ها حتی برای زمان استراحت و بیداری آنها تدارک دیده شود تا خلوت‌های دانش‌آموزان نیز بابرنامه و آگاهانه باشد؛ زیرا ممکن است کنترل و هدایت آنها بسیار سخت شود.

مطلب دیگری که باید به آن توجه کرد، رعایت نظم و زمان‌بندی برنامه‌هاست. درست است که دانش‌آموزان توجه کاملی به نظم ندارند، ولی این نکته نباید دلیلی بر بی‌نظمی ما باشد؛ بلکه تمام برنامه‌ها باید روی نظم پیش رود؛ مگر

شرایطی به وجود آید که امکان عمل به آن نباشد، که در این زمان باید برنامه را تغییر داد.

برای جلوگیری از فشار گرسنگی و تشنگی به دانش‌آموزان و آسان شدن روزه‌گرفتن برای آنها، برنامه‌ها به‌گونه‌ای باشد که در ساعت‌های روز، دانش‌آموز استراحت کرده و شب‌ها بیدار باشد؛ مثلاً بیشترین زمان استراحت بچه‌ها بعد از نماز صبح تا یک ساعت قبل از نماز ظهر باشد و برنامه‌های اصلی و مهم (همان ویژه برنامه‌هایی که در ادامه توضیح کامل خواهیم داد) در ساعت‌های شب برگزار شود که هم انرژی بیشتر و هم پذیرش بالاتری دارد. مخاطب ما نوجوان است و نوجوان از لحاظ روحیه، از کارهای کلیشه‌ای و بی‌انگیزه استقبال نمی‌کند. از سوی دیگر، از اجرای برنامه‌های غافلگیرانه استقبال می‌کند. بنابراین باید از فعالیت‌ها و برنامه‌های خلاقانه استفاده کرد تا برای آنها انگیزه ایجاد شود. توجه به این نکات سبب همراهی دانش‌آموز می‌شود.

از کارهایی که مسئول فرهنگی باید قبل از اعتکاف انجام دهند، ارتباط با مسئولین حلقه‌هاست تا آنها را در جریان کامل گزارش برنامه اعتکاف قرار دهند و مسئولین حلقه‌ها نسبت به برنامه‌ها کاملاً توجیه و آگاه شوند.

سخنران مدعو باید برخی شرایط را داشته باشند، برای مثال:

ترجیحاً جوان باشد تا بتواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند؛ ظاهر زیبا و آراسته داشته باشد؛ خوش‌رو باشد؛ توانایی خنداندن و گریاندن بچه‌ها را داشته باشد؛ از قالب‌های جدید سخنرانی مثل چندرسانه‌ای یا سبک کلاس‌داری و... استفاده کند؛ سخنران بلافاصله بعد سخنرانی مجلس را ترک نکند؛ زیرا ممکن است سؤالی پیرسند. البته سخنران نیز اشاره کند که بعد از مراسم برای پرسش و پاسخ با معتکفین در مسجد حضور دارد.

موضوع محوری همه برنامه‌ها شهدا هستند؛ به خاطر تأثیرگذاری و جذابیت

بسیار بالای آن. نوجوان همواره به دنبال الگوست و برای همین با شهدا خوب ارتباط برقرار می‌کند. سعی شود هر روز به نیت شهیدی باشد. عکس زیبایی از آن شهید طراحی و نصب گردد و چند خاطره از زندگی او بیان شود. اگر صوت و کلیپی از شهید موجود است، برای بچه‌ها پخش شود. در طراحی فضاها هم این امر رعایت شود.

مسئولین فرهنگی باید مراقب باشند که در برنامه‌ها رقابت ناسالم ایجاد نشود. دانش‌آموزان در این سن بسیار به این نکته توجه می‌کنند و واکنش سریع نشان می‌دهند.

طرح‌ها و ایده‌های فرهنگی

۱. اولین کاری که اعتکاف را بسیار برای دانش‌آموزان شیرین و جذاب می‌کند و خاطره‌ای زیبا در ذهن آنها می‌سازد، برنامه استقبال از دانش‌آموزان است. هرچه این برنامه جذاب‌تر و خلاقانه‌تر باشد، بر کیفیت اعتکاف اثر مستقیم دارد؛ برای مثال: دکور زیبا (بسته به فضای هر مسجد متفاوت است) حضور عکاس و فیلم‌بردار، حضور مبلغین و مسئولین حلقه‌ها در مقابل درب مسجد و به استقبال آنها رفتن، پذیرایی، پخش مولودی امام علی علیه السلام، ...

در اختتامیه نیز این فضا برای آنها به وجود بیاید و مریبان دانش‌آموزان خود را بدرقه کنند و ترجیحاً خانواده‌ها به دنبال فرزندان خود بیایند و گل هدیه داده شود تا آن را تقدیم پدر و مادر خود کنند. این امر هم موجب خوشحالی خانواده‌ها و هم باعث شکست غرور کاذبی که بچه‌ها نسبت به پدر و مادر خود دارند، می‌شود.

حتماً تعدادی عکس زیبا در جلوی درب منزل یا راهروی ورودی و خروجی نصب شود. از خود بچه‌ها در لحظات آخر عکاسی و فیلم‌برداری شود.

۲. از کارهایی که باید در اعتکاف انجام دهیم و فرصت بسیار خوبی است، آگاه کردن دانش‌آموزان نسبت به مسائل شرعی است (که به قالب‌های مختلف آن خواهیم پرداخت)؛ اما در این جا می‌خواهیم اشاره کنیم که حتماً یک روحانی مسلط به احکام و تکالیف شرعی در اعتکاف حضور داشته باشد و برای تک‌تک دانش‌آموزان وقت بگذارد؛ از صحیح خواندن نماز تا ریزترین مسائل شرعی.

مسئولین حلقه‌ها باید به این موضوع بپردازند؛ مثلاً وقتی همه دانش‌آموزان مرجع خود را انتخاب کردند، رساله‌های مراجع مختلف بین آنها توزیع شود و احکام اعتکاف را خودشان به حالت تحقیقی و با راهنمایی مربیان استخراج کنند. بعد از هر حلقه یک یا دو نفر به نمایندگی، مسائلی را که آماده کرده‌اند، بیان کنند. با این کار، هم ماندگاری این مسائل بالا می‌رود و هم بچه‌ها کار بارساله را یاد می‌گیرند. آنهایی هم که برای اولین بار رساله را می‌بینند، بیان احکام رساله لذت و شیرینی خاصی برای آنها پیدا می‌کند. بنابراین هر چه بر طرح دقت شود و با خلاقیت اجرا شود، اثربخشی بهتری برای دانش‌آموزان به همراه دارد. اگر در حلقه‌ها مربیان، از احکام مصور برای بیان بعضی از احکام استفاده کنند، هم آموزش را راحت‌تر می‌کند و هم فهم مطلب برای بچه‌ها آسان‌تر می‌شود؛ زیرا علاوه بر شنیدن، دیدن او نیز فعال می‌شود و جذابیت به همراه دارد.

یکی دیگر از قالب‌ها آموزش عملی بخشی از احکام به صورت عمومی برای همه دانش‌آموزان است؛ مثلاً آموزش وضو به وسیله یکی از دانش‌آموزان. همان جا هم ایرادات آنها برطرف شود.

اجرای تمام این موارد باید به شکلی باشد که موجب بی‌حوصلگی نشود و با انگیزه تمام برای آنها صحبت شود و انگیزه‌سازی صورت گیرد تا ان شاء الله مثمر ثمر واقع شود.

۳. کتاب‌خوانی جمعی. این طرح باید با انگیزه‌سازی بالا شکل بگیرد و پیشنهاد ما این است که در ویژه‌برنامه شب دوم، یادواره شهدا باشد (نحوه اجرای برنامه در ادامه خواهد آمد) و راوی برنامه را اجرا کند و کتاب مورد نظر در همان جلسه پخش شود. البته بهتر است کتاب کم حجم و زیبا و جذاب باشد. مسئولین حلقه‌ها نقش بسیار کلیدی در اجرای طرح خواهند داشت. در نهایت هم مسابقه‌ای برگزار شود و به نفرات اول هدیه نفیسی اعطا شود. این مسابقه می‌تواند هم در قالب پرسش‌نامه‌های مرسوم مسابقه‌های کتابخوانی باشد و هم بچه‌ها بهترین خاطره‌ای که بر آنها تأثیرگذار بوده را پشت‌تربییون برای همه بیان کنند. (کتاب‌هایی مثل ابراهیم هادی، پسرک فلافل فروش، عارفانه و...)

۴. تابلوی فرهنگی: حتما تابلویی با عنوان و طراحی جذاب در مسجد آماده شود و ترجیحاً به‌گونه‌ای باشد که هم سوژه‌های طنز و جذاب گرفته شده از خود بچه‌ها باشد (مثل عکس یا یک جمله؛ البته نباید اسباب تمسخر شود) و هم جملات تکان‌دهنده، روزشمار پایان اعتکاف و... (می‌توان در تابلو یک وسیله زمان‌سنج تعبیه کرد و در این سه روز، از ثانیه اول شروع اعتکاف فعال تا پایان برنامه فعال باشد).

۵. یکی از برنامه‌هایی که برای بچه‌ها جذابیت بالایی دارد، ورزش صبحگاهی است. زمان برگزاری این برنامه صبح‌ها بعد از بیدار شدن آنهاست که توسط خود بچه‌ها چند حلقه بزرگ تشکیل می‌شود و همه مربیان و مسئولین در این برنامه شرکت کنند. یک نفر در وسط حلقه، حرکات کششی تمرین می‌دهد و همزمان با شروع برنامه تا پایان آن، مداحی‌هایی که برای بچه‌ها جذابیت دارد یا متناسب با ورزش است، پخش شود؛ مثلاً کلیپ تمرین رزمندگان با صدای لاله‌الا هو اول است و آخر او؛ یا کلیپ مصطفی صدرزاده که در سوریه رزمندگان را تمرین و انرژی می‌دهد، پخش شود و....

یکی از کارهایی که باعث بالا بردن جذابیت این فعالیت می‌شود، این است که شعری برای این برنامه سروده شود و هنگام اجرای برنامه، همه باهم آن را هم خوانی کنند و در آخر رو به قبله دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم را بخوانند و چندین ذکر از بچه‌ها گرفته شود؛ مثلاً «بلند بگو یا حسین». این نکته هم باید بیان شود که بیشتر حرکات نرمش، کششی انجام شود و زیاد طولانی نباشد؛ زیرا دانش‌آموزان روزه‌دار هستند و نباید انرژی آنها تهلیل برود. این ورزش باعث ایجاد نشاط و رفع کسالت و خواب‌آلودگی در بین بچه‌ها می‌شود و آماده برنامه بعدی می‌شوند.

۶. یکی از بهترین زمان‌ها برای انتقال معارف، قبل از غروب آفتاب است که می‌توان برای بچه‌ها در این ساعت یک سخنران ماهر دعوت کرد؛ البته چون انرژی بچه‌ها کم شده، باید سخنران بسیار جذابی دعوت شود. از قالب‌های مختلف مثل چندرسانه‌ای، یا قالب‌های کلاس‌داری هم می‌توان استفاده کرد و در نهایت مداح مناجات‌خوان دعوت شود. البته در این ساعت قصد خواندن روضه نیست؛ بلکه مقصود مناجات بچه‌ها با خدا و آشنا و مأنوس کردن آنها با اهل بیت علیهم السلام است. البته برنامه نباید طولانی شود؛ بلکه مختصر و پرمغز و قابل استفاده باید باشد.

۷. در طول زمان اعتکاف می‌توان بعضی از اولیای دانش‌آموزان را شناسایی و آنها را دعوت کرد که به صورت پنهانی فرزندان خود را ببینند و دیدار مختصری با آنها داشته باشند. این برنامه بیشتر از این‌که روی دانش‌آموزان اثر بگذارد، برای پدر و مادر اثربخشی بسیاری دارد. این برنامه حتماً فیلم‌برداری شود و وقتی فرزندان خود را به صورت پنهانی می‌بینند، با آنها مصاحبه شود و از این حس خوب مقابل دوربین صحبت کنند.

۸. در اجرای ویژه برنامه‌ها از طرح‌هایی مثل عهدنامه نوشتن یا وصیت‌نامه نوشتن می‌توان استفاده کرد. البته انگیزه‌سازی بسیار خوبی می‌خواهد؛

مثلاً در روز آخر، مراسم وداع رفاقت با ابراهیم هادی برگه‌های عهدنامه‌ها پخش شود.

۹. یک برنامه شب‌ها ساعت ۸ به نیت امام رضا علیه السلام اجرا می‌شود: پخش صلوات خاصه امام رضا علیه السلام، پخش کلیپ‌های جذاب از صابر خراسانی (هر شب یک کلیپ). لازمه این طرح این است که نیم ساعت قبل از اجرای برنامه صوت و کلیپ و وسایل مورد نیاز برای پخش آماده باشد که برنامه انجام شود.

۱۰. هرشب ساعت خاصی برای قرائت سوره واقعه به صورت دسته‌جمعی در نظر گرفته شود و در پایان، به صورت مختصر، تفسیر آیات ابتدایی سوره برای دانش‌آموزان بیان شود. (کتاب پیشنهادی برای تفسیر سوره واقعه: کتاب «سرای دیگر» از شهید آیت‌الله دستغیب). در این برنامه باید بر فضاسازی برنامه تمرکز داشت؛ مثلاً همه‌ی بچه‌ها یک حلقه بزرگ تشکیل دهند که در مقابل همه رحل و قرآن قرار گیرد و در میان حلقه، تابلوها و قاب عکس‌های شهدا با چینش مناسبی قرار داده شود و حتماً سوره به صورت دسته‌جمعی تلاوت شود.

۱۱. حتماً دانش‌آموزان در برخی فعالیت‌ها به‌کار گرفته شوند؛ مثل: قرائت قرآن، تکبیر و اذان گفتن برای نمازهای جماعت.

۱۲. یکی از مباحثی که باید قبل از اعتکاف به آن توجه داشت، آماده‌سازی صوت‌ها و کلیپ‌های خوب و متناسب با برنامه‌هاست؛ مثلاً برای بیدارباش و خاموشی و غروب‌ها و سحرها برای نماز شب و ... ترجیحاً صوت‌هایی که برای سحر آماده می‌شود، از جنس مناجات با خدا باشد؛ مثل مناجات سید رضا نریمانی (نفس تو سینه غم گرفته ...). برای غروب‌ها مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک، یا برای بیدارباش صوت مداحی محمود کریمی (خواهم بیدارم کن ...). برای ساعت‌های خاموشی: صوت‌های شهید حاج قاسم سلیمانی، شهید آوینی (عقل معاد می‌گوید

که بیدار باش...). کسی که این صوت‌ها را جمع‌آوری می‌کند، نباید فقط به ذائقه‌ی خود نگاه کند؛ بلکه باید ذائقه‌ی مخاطب دانش‌آموز را مدنظر قرار دهد.

۱۳. یکی از فعالیت‌هایی که اگر به صورت گروهی برگزار شود، تأثیر بسزایی دارد، خواندن نماز شب است. مریبان یک ساعت خاص را برای خواندن نماز شب انتخاب کنند و مشوق بچه‌ها باشند که در این زمان، آنها نیز مشغول نماز شب شوند؛ مثلاً مناجات‌های خوب با صدای زیبا پخش شود تا ان شاء الله خاطره‌ای ماندگار و یگانه از سحرها برای بچه‌ها آفریده شود.

۱۴. برای بچه‌ها برخی چیزها جذابیت و تأثیر بسیار بالایی دارد؛ مانند عبا برتن کردن. ترجیحاً مریبانی که عبا دارند، عبا‌ی خود را به نوبت در اختیار بچه‌ها بگذارند تا بتوانند از آن استفاده کنند. حتی بهتر است اگر مجموعه‌ای توان مالی خوبی دارد، برای بچه‌ها عبا تهیه کند و در شب اول هدیه بدهد.

۱۵. یک شعر زیبا و جذاب متناسب با اعتکاف سروده شود و در زمان‌های مختلف و مخصوصاً قبل از شروع ویژه‌برنامه‌ها باهم همخوانی کنند. (خوب است که در شعر از شهید حاج قاسم سلیمانی عزیز یاد شود).

۱۶. برای این‌که بتوان یک سری از مؤلفه‌های دینی را به بچه‌ها تفهیم کرد، می‌توان به هر حلقه یک عنوان و موضوع مثل ایثار، احترام به پدر و مادر و... اختصاص داد و بچه‌ها به کمک مریبان خود سناریوی نمایشی آماده برای همه اجرا کنند و به بهترین اجرا جایزه داد.

۱۷. اصل در اعتکاف، خلوت و آرامش و سکوت و دوری از هیاهوست تا افراد بتوانند به خود و خدای خود توجه کرده و فکر کنند. باید در این اعتکاف به بچه‌ها استفاده از خلوت و این‌که در طول روز دقایقی را با خودش تنها باشد، یاد داد.

بنابراین می‌توان ساعتی را برای تفکر قرار داد. به همه بچه‌ها بگوییم این ساعت، ساعت فکر کردن است؛ ساعت محاسبه خود است (حاسبوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا) و مریبان به بچه‌ها یاد دهند که چگونه باید فکر کنند، به چه چیزی فکر کنند و برای چه باید خلوت داشته باشند.

مریبان عزیز باید بچه‌ها را راهنمایی کنند و طرز صحیح خلوت داشتن را به آنها بیاموزند و به آنها بگویند یکی از نزاع‌های اصلی بشر بر سر همین امور است. پیامبران مأمور شدند تا فکر کردن و تدبیر در زندگی را به مردم بیاموزند؛ اما جریان باطل همواره در تلاش است تا فرصت فکر کردن را از انسان بگیرد؛ پس فضای مجازی ایجاد می‌کند و دغدغه‌ها و مشغله‌ها را به قدری زیاد می‌کند که دیگر فرصتی برای تفکر در مورد خود، آینده و حتی انتخاب هدف زندگی را نداشته باشد. بنابراین مریبان باید با این طرح بتوانند بچه‌ها را هدایت کنند.

۱۸. دعوت از طلاب جامعه المصطفی در اعتکاف می‌تواند در امیدبخشی دانش‌آموزان نسبت به آینده کشور و نقش کشورشان در جهان اسلام تأثیر بسزایی داشته باشد. این‌که شخصی نگاه بخشی از مردم جهان را نسبت به ایران بیان کند، سبب دلگرمی و توان مضاعف و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در بچه‌ها می‌شود.

۱۹. در فضاسازی گوشه‌ای از مسجد، تعداد زیادی از عکس‌های شهدا به صورتی که در هم تنیده و نزدیک هم باشند، با طرح‌های زیبا از شهدای دفاع مقدس تا مدافعان حرم قرار گیرد. در میان عکس‌ها آینه‌ای باشد که بچه‌ها هر وقت در مقابل عکس‌ها قرار می‌گیرند چهره خود را بین شهدا ببینند.

۲۰. در صورت امکان از مدیران ارزشی و انقلابی مدراسی که غالب دانش‌آموزان در آن مدارس درس می‌خوانند، دعوت شود تا در وقت استراحت، میان دانش‌آموزان حضور یابند و ساعتی را با آنها بگذرانند. این کار هم بر مدیران و هم دانش‌آموزان اثرگذار خواهد بود. هم چنین

اگر اعتکاف در ایام امتحانات قرار گرفت، برای رفع اشکال دروس از اساتیدشان دعوت شود.

۲۱. در صورت امکان، قسمتی از مسجد به صورت سنگر درست شود و داخل آن را به صورت سنگرهای جنگی آماده گردد. از گونی سنگری استفاده شود و داخل آن را با وسایلی مانند بی سیم و اسلحه (بدون سوزن و خشاب و با هماهنگی بسیج) و عکس شهدا و فانوس، سربند، چفیه و سجاده و قرآن طراحی کرد. حتی لباسی از شهدای مدافع حرم و عکس شهید با بخش تأثیرگذار وصیت نامه ایشان را نصب کرد. جملات مؤثر به کار رود و دانش آموزان فرصتی را برای خلوت کردن با خود و خدا و شهدا پیدا کنند. می توان در طول اعتکاف به حلقه ها فرصت داد تا از آن سنگر استفاده کنند. با این کار برای بچه ها یک خاطره ی خوب در مسجد به وجود می آید و در آینده و بعد از اعتکاف همه چیز برای آنها نداعی می شود.

۲۲. خوب است که یک سری رفتارها در بین بچه ها به وجود آید، مثل نماز شب خواندن. باید روی این طرح فکر شود و هر کس متناسب با روحیه بچه ها یک سری تکیه کلام ها و رفتارها را شایع کند.

۲۳. فرصتی برای تفریح دانش آموزان قرار دهید؛ مخصوصاً بعد از نماز مغرب که انرژی آنها زیاد است؛ مثل استفاده از بازی های فکری (غیرتاسی) و پانتومیم و....

۲۴. فرم ارزیابی تهیه و در روز آخر بین بچه ها توزیع شود تا نظرات خود را بیان کنند. شناخت قوت ها و ضعف ها برای عملیات بعدی بسیار کارایی دارد.

۲۵. تقدیر و تشکر از خادمین اعتکاف و امام جماعت مسجد به خاطر همکاری در اجرای اعتکاف و همین طور از خادم مسجد. بهتر است این کار در ساعات پایانی اعتکاف باشد و هدیه ای به رسم یادبود داده شود.

محصولات فرهنگی

۱. صلوات شمار انگشتی؛
۲. دستمال اشک؛
۳. دفترچه اعتکاف و خودکار؛
۴. کتاب‌های مربوط به شهدا؛ مثل: سلام بر ابراهیم، عارفانه، کریمی، کتاب‌های انتشارات ابراهیم هادی؛
۵. کیف یا بسته محصولات فرهنگی؛
۶. سجاده چفیه‌ای جیبی؛
۷. سربند اسماء اهل بیت علیهم‌السلام و استفاده از آن در مراسمات، مانند هیئت؛
۸. چفیه‌های زیبا (یک وسیله چند منظوره)؛
۹. قبله‌نما (کار با قبله‌نما آموزش داده شود)؛
۱۰. عکس حاج قاسم برای مراسم وداع در روز پایانی (توضیح آن خواهد آمد).

زمان توزیع محصولات

محصولات به صورت تک به تک و در حال اجرای برنامه و متناسب با برنامه‌ها داده شود؛ مثلاً دستمال اشک، شب سوم قبل از برگزاری هیئت توزیع شود. مریبان باید قبل از اجرای برنامه برای بچه‌ها در مورد محصولات ایجاد انگیزه کنند؛ بدون این که از محتویات محصول خبر دهند.

مسئولین حلقه‌ها

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در اعتکاف دانش‌آموزی، مدیریت دانش‌آموزان بسیار سخت است. برای کنترل معتکفین و ارائه خدمات بیشتر به آنها و بهره‌وری حداکثری از فرصت، دانش‌آموزان را به حلقه‌های ۷ تا ۱۰ نفری تقسیم شوند و برای هر حلقه یک روحانی را به عنوان مربی قرار داد و همه‌ی برنامه‌ها از طریق مریبان پیش برود. برای کنترل نظم برنامه‌های عمومی همه‌ی معتکفین در کنار مریبان خود قرار گرفته و از برنامه‌ها استفاده کنند.

ستون و محور کار با مربیان است؛ پس در انتخاب آنها دقت شود. از افرادی استفاده شود که جوان بوده و بتوانند با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند. خوش‌سیما و خوش‌برخورد باشند؛ قدرت زنده نگه داشتن دانش‌آموزان و مدیریت آنها را داشته باشند؛ قبلاً کار تربیتی کرده باشند و بتوانند دنیای فکری نوجوانان را درک کنند؛ معنوی و اخلاقی باشند، زیرا دانش‌آموزان در این سن به شدت دنبال الگوبرداری هستند و تجربه نشان داده است که آنها به مربیان خود توجه داشته و در رفتار آنها دقت می‌کنند.

بنابراین اگر مربی بتواند از قاعده‌ی قرآنی «کونوا دُعاة الناس بغير السبِّتکم» استفاده کند و بخشی از کارها را خودش انجام دهد تا دانش‌آموزان هم یاد بگیرند، مثل قرآن خواندن، نماز خواندن، کمک‌کردن در کارهای مسجد از جمله نظافت و... این روش بسیار تأثیرگذار خواهد بود. مربیان همان شخصیتی باشند که هستند. دانش‌آموز متوجه می‌شوند که اخلاق مربی غیرواقعی است یا واقعا اخلاق خودش است. شوخی‌ها در شأن طلبگی و تا حدی باشد که موجب بی‌احترامی و بی‌حیایی نشود و به موقع باشد.

مربی‌ها حتماً باید خودشان معتکف باشند تا دانش‌آموزان با مربیان خود زندگی کنند و لذت و حلاوت و شیرینی این سه روز را بچشند.

مربی به معتکفین عزیز اهمیت دهد و هویت برای آنها قائل شود و به اعتکاف آنها ارزش بدهد و از تکیه‌کلام‌هایی مثل التماس دعا، خوش به سعادتتان و... استفاده شود.

خوب است وحدت رویه در بین مربیان وجود داشته باشد. هم‌چنین صمیمیت بین مربیان بالا باشد تا اثرگذاری آن بر بچه‌ها بیشتر شود؛ مثلاً همه مربیان با هم نماز شب بخوانند یا در یک زمان قرآن بخوانند.

مربی باید مراقب ارتباط خود با دانش‌آموز باشد که توجه او به همه مدیریت شده باشد؛ زیرا آنها تفاوت نگاه‌ها را متوجه می‌شوند.

مربیان عزیز باید مراقب باشند که رقابت ناسالم بین دانش‌آموزان به وجود نیاید؛ زیرا در این صورت، مربی باید دائماً مدیریت بحران کند و ذهن بچه‌ها به هم می‌ریزد.

در ارتباط بین دانش‌آموزان باید توجه داشت که رفاقت افراطی شایع نشود. مراقبت در حال خواب بچه‌ها و انجام تمهیدات مانند فاصله‌گذاری (همان شب اول).

یکی از معضلات اعتکاف‌های دانش‌آموزی این است که نسبت به برخی کارهایی که نباید حیا کنند، حیا می‌کنند؛ مثل حمام رفتن در وقت جنابت. برای این‌که این مشکل برطرف بشود، خوب است هر روز یک تا دو نفر از مربیان حمام بروند. این کار باعث شکسته شدن این شرم کاذب می‌شود.

بہتر است مربیان از تلفن همراه ساده استفاده کنند تا عامل وسوسه برای دانش‌آموز نشود. در اعتکاف‌های سال‌های گذشته، مربی برای جذب نوجوانان بازی‌های شبکه‌ای با تلفن همراه خود انجام داده است. باید به این نکات توجه زیادی داشت.

در گرده‌های شبانه که بچه‌ها دور هم نشسته‌اند، باید مراقبت کرد که از تخمه استفاده نشود و از دیگر تنقلات استفاده شود.

قالب و محتوای حلقه‌ها

قالب: پرسش و پاسخ؛ طرح شبهه توسط مربی؛ چندرسانه‌ای جذاب و متناسب با سن مخاطب؛ بازی و سرگرمی (بازی‌های فکری)

محتوا: احکام اعتکاف؛ معرفت‌افزایی نسبت به اصل اعتکاف؛ انتظار (شبهات مهدویت)؛ معرفت‌افزایی نسبت به شخصیت امام خامنه‌ای؛ سبک زندگی و رفاقت با شهدا و سیدالشهدای مقاومت حاج قاسم سلیمانی؛ مبارزه با نفس؛ سواد رسانه؛ تبیین مسائل رایج میان دانش‌آموزان (بلوغ و استمناء و...). البته

مسئولین حلقه‌های عزیز باید نسبت به مباحث مطالعه و تخصص کافی داشته باشند.

حتماً قبل از اعتکاف موضوعات به مریبان گفته شود تا فرصت برای آماده‌سازی محتواها و قالب‌ها داشته باشند.

ترجیحاً قبل از شروع اعتکاف، جلسه توجیهی با تمام مریبان برگزار شده و تمام برنامه‌ها ارائه و تذکرات لازم (مثل: وحدت رویه، هماهنگ بودن مریبان و...) داده شود.

رسانه

شرح وظایف

یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت‌های تبلیغی در اعتکاف، رسانه است که باید به آن توجه بسیاری شود. حتماً باید غرض خود را از فعالیت‌های رسانه‌ای مشخص کنیم؛ برای مثال تیزر برای معرفی فعالیت‌ها آماده شود و برای دانش‌آموزان کانالی ایجاد شود تا عکس‌ها و فیلم‌های شان را بارگزاری کنند. مستندی هم برای صدا و سیما ساخته شود.

نکات فنی

۱. تجهیزات فیلم‌برداری کامل باشد (چند دوربین، میکروفن یقه‌ای و لپ‌تاپ و...).
۲. حتماً برای نور تدارک دیده شود؛ زیرا در بعضی مواقع تمام چراغ‌ها خاموش می‌شود و فیلم‌برداری ناممکن است.
۳. آرشیوی از تمام برنامه‌ها به صورت عکس و فیلم تهیه شود و از شب اول عکس‌ها و فیلم‌های منتخب تفکیک شود.
۴. ویژه‌برنامه‌ها به صورت کامل برای آرشیو فیلم‌برداری شود.

۵. عکاس، لحظه‌های ناب را ثبت کند.
۶. عکاسی و فیلم برداری نباید حال معنوی بچه‌ها را در ویژه برنامه‌ها از بین ببرد.
۷. حتماً از بچه‌ها مصاحبه گرفته شود (معرفی، محل زندگی، چرا اعتکاف کرده، تأثیرگذارترین بخش اعتکاف و...).
۸. عکس دسته جمعی (حتماً روز اول عکس گرفته شود و در روز آخر، قاب شده به دانش‌آموزان هدیه داده شود).
۹. از تمام حلقه‌ها عکس و فیلم گرفته شود.
۱۰. تدوین‌گر در تیم رسانه حضور داشته باشد و ترجیحاً در شب پایانی، تیزری از فعالیت‌های چند روز برای معتکفین اکران شود.
۱۱. تداوم ارتباط از طریق مجازی و حضوری، تلفنی، اردو، هیئت (تداوم حتماً با هماهنگی مسئول اعتکاف باشد).

تبلیغات و اطلاع رسانی

الف) فضای حقیقی

۱. طراحی بنر و پوستر مناسب سن دانش‌آموزان و نصب در محل‌های مناسب مثل مساجد، چهارراه‌ها، میداين، ورزشگاه‌ها و...؛
۲. جذب دانش‌آموزان از طریق ارتباط‌گیری با مدارس؛
۳. جذب دانش‌آموزان از طریق ارتباط‌گیری با گروه‌های تربیتی کوچکی که به دلیل کمبود امکانات و نداشتن توان کافی قادر به برگزاری اعتکاف نیستند.

ب) فضای مجازی

۱. ارسال پیامک، شامل محتوای ایجاد انگیزه، آدرس، مکان و زمان برگزاری؛
۲. استفاده از شبکه‌های اجتماعی، طرح پوستری برای گروه‌های مختلف

(مربیان، گروه‌های فرهنگی، دانش‌آموزان، کانال مدارس و...) ارسال شود؛

۳. بهره‌گیری از شبکه‌های استانی صداوسیما.

جلسه با خانواده‌ها پیش از اعتکاف

- این عنوان بیشتر شامل مجموعه‌های تربیتی است که دارای تشکیلات تربیتی بوده و برای تداوم بچه‌ها برنامه دارند و در این اعتکاف دانش‌آموزانی را جذب خواهند کرد که این ارتباط بعد از اعتکاف نیز استمرار داشته باشد. بنابراین لازم است قبل از شروع اعتکاف، خانواده‌های این دانش‌آموزان از طرف مجموعه دعوت و با فعالیت‌های مجموعه خود آشنا شوند و به آنها گفته شود که اعتکاف شروعی است برای بچه‌ها.
- فعالیت‌های مجموعه به آنها ارائه شود تا با سابقه‌ی مجموعه آشنا شوند.
- حتماً برنامه اعتکاف چاپ و بین خانواده‌ها توزیع شود. همین‌طور فعالیت‌هایی که قرار است فرزندانشان بعد از اعتکاف در آن حضور داشته باشند.
- در طول برنامه، حتماً برای خانواده‌ها در مورد تربیت فرزند باید دغدغه‌سازی شود و این که این برنامه، کمکی است که پدر و مادر بتوانند فرزندان خود را خوب تربیت کنند.
- بعد از اعتکاف نباید توقع ایجاد شود که فرزندانشان معصوم شده باشند و دیگر هیچ خطایی از آنها سر نخواهد زد؛ بلکه باید با تشویق، به پیشرفت معنوی آنها کمک کنند و آنها را به حضور در فعالیت‌های مجموعه سوق دهند.
- می‌توان برای تأمین هزینه‌های اعتکاف از خانواده‌ها خواست که بانی شوند یا به دنبال بانی باشند.

دکور و فضا سازی

الف) بیرونی

۱. نظافت جلوی در مسجد.
 ۲. بستن طاق نصرت، تزئین با پارچه های رنگی، تور استتار، چفیه، قرآن، ریسه های رنگی، سربند، گلدان و عکس دانش آموزان سال گذشته در راهروی ورودی و....
- نکته: برای شب اول، برپایی موكب سیار (چای آتشی و...)، برنامه خوش آمدگویی و برای شب آخر، برنامه بدرقه همراه با مداحی مناسب، اسپند دود کردن و گل هدیه دادن، شربت و شیرینی و... برگزار شود.

ب) داخلی

۱. نصب دکور و فضا سازی بسیار مهم است و باید برای آن وقت گذاشته شود.
 ۲. از افراد باتجربه و خلاق در فضا سازی استفاده شود.
 ۳. لوازم مورد نیاز از قبل تهیه و جمع آوری شود.
 ۴. داخل مسجد قبل از شروع اعتکاف مسجد خوش بو و معطر شود.
 ۵. جایگاه متناسب با مناسبت ها تزئین شود؛ مثلاً ولادت امام علی علیه السلام و وفات حضرت زینب علیه السلام.
 ۶. دکور خاصی برای جایگاه در ویژه برنامه ها طراحی شود.
- شب اول: میلاد امام علی علیه السلام ؛ شب دوم: یادواره شهدا؛ شب سوم: وفات حضرت زینب علیه السلام ؛ غروب پایانی: مراسم وداع.
۷. هماهنگی های لازم با مسئولین مسجد برای نصب تزئینات و پخش صوت و کلیپ ها.
 ۸. محلی برای جایگاه در نظر گرفته شود که با محل استراحت معتکفین فاصله داشته باشد.

۹. نحوه استقرار معتکفین در فضا سازی بسیار مهم است. ترجیحاً از قبل جای گروه‌ها مشخص و به نام شهدا نام گذاری شده باشد. به صورت حلقه‌ای نشسته و عکس زیبایی از شهید برای گروه در محل استقرار آنها نصب شود.
۱۰. استفاده از ماکت‌های تمام قدر حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در فضای مسجد.
۱۱. ایجاد فضایی مانند سنگر برای خلوت و عبادت بچه‌ها (توضیح آن در بالا آمد).
۱۲. برشی از داستان‌های جذاب کتابی که به عنوان طرح کتاب خوانی پخش شده، با طراحی‌های زیبا و جذاب در فضای مسجد استفاده شود.
۱۳. قرار دادن صندوق برای جریمه‌ی گناه؛ مثل غیبت (برای هر حلقه یک صندوق، به مربیان داده شود و مربیان بچه‌ها را توجیح کنند که اگر در حلقه، کسی غیبت، تهمت، تمسخر یا حرف زشت بر زبان آورد، باید جریمه شود. سبک جریمه می‌تواند نقدی یا غیرنقدی باشد).
۱۴. بستن پریزهای برق و نوشتن جملات خنده‌دار و لطیفه روی آنها برای بچه‌هایی که تلفن همراه آورده‌اند؛ به خاطر این که آوردن گوشی ممنوع است.



پشتیانی و تدارکات



الف) قبل از اعتکاف

۱. آمار دقیق از معتکفین و مربیان و کادر اجرایی؛
۲. تیم پشتیبانی برای تهیه و خرید وسایل و آماده‌سازی افطار و سحر و...؛
۳. مشخص شدن تعداد افراد پشتیبانی، با توجه به تعداد معتکفین؛
۴. مشخص شدن مسئولیت‌ها برای فعالیت‌های پشتیبانی و تدارکات؛ برای مثال: مسئول خرید، آماده‌سازی افطار و سحر، چای، آب و...؛
۵. تهیه فهرست اقلام مورد نیاز و هماهنگی برای گرفتن آنها به صورت امانی (مثل تریموس، کلمن، دیگ و...)
۶. بهترین راه برای تهیه غذا، هماهنگ کردن آشپز است. اگر موقعیت مناسبی برای پخت غذا وجود داشته باشد و آشپزخانه‌ای به محل اعتکاف نزدیک باشد، می‌توان از یک آشپز خوب استفاده کرد؛ زیرا این روش به اسراف نکردن غذا و کیفیت و تمیزی آن و کم کردن هزینه‌ها کمک می‌کند. اگر غذا از رستوران تهیه شود، حتماً کیفیت غذای آن بررسی شود. مسیر آن به محل اعتکاف بدون ترافیک باشد. در وعده‌های غذایی تناسب رعایت شود؛ مثلاً برای سحرها از کباب استفاده نشود؛ زیرا باعث تشنگی می‌شود. از دسر(ماست، سالاد، زیتون، سبزی، دوغ و...) استفاده شود؛
۷. متأسفانه در این‌گونه برنامه‌ها اسراف بسیار زیاد است. یکی از راه‌های

پرهیز از اسراف، این است که بشقاب‌هایی سرفره باشد که اگر غذای بچه‌ها زیاد آمد، به مقدار میل خود در بشقاب‌ها بریزند و بقیه دست‌نخورده نگهداری شود تا غذاهای اضافی بسته‌بندی و بیرون از مسجد در گرم‌خانه‌ها یا بین فقرایی که در محل حضور دارند، به عنوان غذای تبرکی پخش شود؛

۸. استفاده از ظروف پلاستیکی مضر است؛ بنابراین از ظروف آلومینیومی استفاده شود.

(ب) در هنگام اعتکاف

۱. فعالیت‌هایی که به اعتکاف معتکفین اشکالی وارد نمی‌کند، بین حلقه‌ها تقسیم کار شود؛ برای مثال نظافت مسجد و...؛

۲. فهرست غذاها از قبل آماده و محل تهیه غذا مشخص باشد؛

۳. غذا حداکثر تا نیم‌ساعت قبل از اذان مغرب و یک ساعت و نیم قبل از اذان صبح در محل اعتکاف حاضر باشد. باید توجه داشت که سحری باید زود توزیع شود تا بچه‌ها فرصت خوردن چای و آب و... را داشته باشند؛

۴. آماده‌سازی آب، شربت، چای و دیگر وسایل قبل از اذان؛

۵. باتوجه به وسعت فضای موجود، پهن کردن سفره قبل یا بعد از اتمام نماز انجام شود؛

۶. یکی از کارهای بسیار خوب، تزئین و سفره‌آرایی است؛ مثلاً قراردادن گلدان در سفره‌ها و...؛

۷. میان‌وعده‌ها، تنقلات و میوه‌ها بعد از یک تا دو ساعت از افطار به معتکفین داده شود (وقت برای خوردن آن در نظر گرفته شود)؛

۸. کسی از بیرون چیزی خرید نکند؛ زیرا رقابت‌های غلط به خاطر تنوع

- اقدام خریداری شده بین حلقه‌ها به وجود می‌آید؛ مثلاً ممکن است در بعضی حلقه‌ها افرادی موقعیت مالی خوبی داشته باشند و در حلقه‌ی دیگر ضعیف باشند؛ برای همین باید به این نکته توجه داشت:
۹. تهیه خوراکی‌های متنوع توسط خادمین (تنقلات سالم تر و...).

ج) بعد از اعتکاف

۱. جمع‌آوری وسایل و شست‌وشو و مرتب‌کردن وسایل محل اسکان؛
۲. تحویل وسایل به مسئولین مربوطه؛
۳. تمام وسایل باید به‌طور منظم و تمیز جمع‌آوری و به مسئولین تحویل داده شود؛
۴. مسجد و محل اسکان باید تمیز و منظم گردد تا مسئولین مسجد از اجرای برنامه ناراضی نشوند.

نیرو انسانی و ثبت نام:

فرم ثبت نام با مشخصات زیر طراحی شود:

- اطلاعات فردی (نام و نام خانوادگی، گروه خونی، شماره تماس اولیاء، سن، مقطع تحصیلی، مدرسه و ...)
- نام رابط و شماره تلفن؛
- رضایت‌نامه؛
- شرایط جسمی و روحی (نداشتن بیماری و حساسیت‌های خاص)؛
- وسایل مورد نیاز برای مثال: دفترچه بیمه، دفترچه و خودکار، چند دست لباس راحتی، حوله، لباس زیر اضافه، ملحفه، لیوان، قاشق، قرآن جیبی، جانماز شخصی، ماسک اضافه، مایع ضد عفونی‌کننده، دمپایی و کیسه برای نگهداری آن؛

- میزان مبلغی که باید از معتکفین دریافت شود مشخص باشد.
- ممنوعیت آوردن گوشی و لوازم صوتی و دیجیتالی (اسپیکر، m صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۳ و...)
- شماره تماس برای ارتباط و پی‌گیری اولیاء.

اتاق صوت

۱. مسئول اتاق صوت، قبل از اعتکاف، سیستم صوتی مسجد را بررسی کند؛ اگر خوب نیست، صوت تأمین شود؛ زیرا در غالب برنامه از صوت استفاده می‌شود؛
۲. مسئول اتاق صوت باید شخصی باتجربه و حرفه‌ای باشد؛
۳. فردی صبور و بااخلاق باشد؛
۴. لوازم مورد نیاز، از جمله کابل‌ها و اتصالات مختلف و دست‌کم دو میکروفون موجود باشد؛
۵. فقط یک نفر عهده‌دار وظایف اتاق صوت باشد؛
۶. صدای برنامه‌ها به گونه‌ای نباشد که آسایش همسایه‌ها سلب شود؛
۷. مسئول صوت همیشه در صحنه حاضر باشد؛
۸. برای جلوگیری از دلخوری و ناراحتی ناشی از این‌که دستگاه صوت را همه استفاده می‌کنند و ممکن است تذکراتی به مسئول مربوط داده شود، یک نفر به مسئول صوت تذکر یا مطلب را به اطلاع او برساند.

انتظامات

۱. برای نظم در فعالیت‌ها و برنامه‌ها یا جلوگیری از بروز مشکل، حتماً نیاز به یک تیم انتظامات است؛ انتظامات از ورودی مسجد، داخل مسجد و... وجود یک ناظم در اعتکاف لازم است که تذکرات توسط ایشان

- صورت گیرد. اگر لازم است نکته‌ای در مورد نظافت و شوخی‌های بچه‌ها و... تذکر داده شود، توسط ایشان باشد (ترجیحا طلبه معمم نباشد)؛
۲. انتظامات حتما تمام مسجد را در طول روز چندین مرتبه سرکشی کند (حیاط مسجد، آشپزخانه، وضوخانه، سرویس بهداشتی، حمام و...)
۳. لازم است هنگام خواب و خاموشی انتظامات بیدار باشند (شیفت بندی شود).

مالی

۱. ارتباط با ارگان‌های مربوطه (سازمان تبلیغات، امور مساجد، اوقاف و...)
۲. ارتباط با افرادی که اهل کمک هستند، هرچند که مقدار آن کم باشد؛
۳. جمع‌آوری عقیقه و قربانی برای تهیه غذا؛
۴. کار رسانه‌ای قوی برای جذب بانی؛
۵. جمع‌آوری هزینه ماهیانه توسط خود اعضا؛
۶. پرداخت بخشی از هزینه‌ها توسط خانواده‌های دانش‌آموزان؛
۷. تمام هزینه‌ها ثبت و در آخر جمع بندی شود.



برنامه روزانه



برنامه روزانه در قالب جدول، در آخر کتابچه ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است طرح و ایده‌هایی که در ابتدای جزوه ارائه شده، متولیان اعتکاف متناسب با سلیقه و مخاطب خود در طول روز تقسیم و از آن استفاده کنند. موضوعات روز اول بر محوریت امام علی علیه السلام باشد؛ روز دوم بر محوریت شهدا و روز سوم بر محوریت وداع.

ویژه‌برنامه‌های شب‌های اعتکاف را جداگانه توضیح خواهیم داد؛ ان شاء الله که اثرگذار باشد.

ویژه برنامه شب اول: هیئت میلاد امام علی علیه السلام

شب اول، میلاد امام اول شیعیان است و باید معرفت و شناخت معتکفین را نسبت به مولایمان امام علی علیه السلام بیشتر کنیم. برنامه‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شود که موجب شادی و سرور معتکفین شود. از طرفی به خاطر این‌که برنامه اول است، بهتر است با شور و حرارت و جذابیت بالا شروع شود.

برنامه به‌خودی‌خود موجب خرسندی بچه‌ها نیست؛ بلکه به دلیل محبت و مودت بین مریبان و مریبان با بچه‌ها و زود صمیمی شدن با آنهاست. هر قدر کادر اجرای برنامه شاداب باشند، روی بچه‌ها اثر مستقیم می‌گذارد.

فهرست برنامه

1. تلاوت قرآن (اگر در بین دانش‌آموزان قاری خوش صدایی باشد، حتماً از او استفاده شود)؛

۲. پخش کلیپ جذاب از امام علی علیه السلام؛
۳. بخشی از هدایا در جلسه توزیع شود (برای مثال: دفترچه اعتکاف و خودکار که برای بعد از سخنرانی لازم می‌شود و همین‌طور مهر و تسبیح و صلوات‌شمار تا مریبان، همان شب در حلقه‌های خود پخش کنند)؛
۴. سخنرانی زیبا در اوصاف امام علی علیه السلام و آثار عشق به ولایت ایشان (سخنران بتواند بچه‌ها را بخنداند و سخنرانی شاد اجرا کند)؛
۵. مولودی خوانی (ارائه یک برنامه جذاب و شاد)؛
۶. احکام ابتدایی اعتکاف حتی‌المقدور چندرسانه‌ای باشد (همه‌ی مسائل در یک زمان گفته نشود؛ زیرا برای معتکفین خسته‌کننده می‌شود؛ بلکه مسائلی که ابتدایی است، بیان شود و بقیه مسائل را ظهر فردا بیان شود)؛
۷. تذکرات ابتدایی که لازم است همه معتکفین بدانند، توسط فرهنگی ارائه شود؛
۸. پذیرایی به صرف شیرینی و شربت (مثلاً کیک بزرگ با طراحی امام علی علیه السلام که بین معتکفین پخش شود)؛

تذکرات

۱. برنامه در حسینیه یا مکان دیگری غیر از مسجد برگزار شود (زیرا حرمت مسجد باید حفظ شود و کف‌زنی مشکل نداشته باشد. البته کف‌زنی در مولودی باشد تا در بچه‌ها ایجاد اشتیاق شود)؛
۲. اگر حسینیه یا محل برگزاری برنامه مقداری از مسجد فاصله دارد، توسط مریبان به صورت گروهی به آن مکان بروند؛
۳. حتماً یک تیم اجرایی حضور داشته باشد تا در مسیر مشکلی پیش نیاید.
۴. همه‌ی معتکفین به همراه مریبان حضور داشته باشند (البته یک نفر از تیم اجرایی در مسجد مستقر باشد تا اگر کسی دیر آمد، به استقبال او برود)؛

۵. در حسینیّه به صورت گروهی بنشینند تا کنترل آنها راحت‌تر باشد؛
۶. امکانات حسینیّه حتما مورد بررسی قرار گیرد (صوت، نور، دکور و تزئینات، سرویس بهداشتی، آشپزخانه، سیستم گرمایشی و سرمایشی)؛
۷. در اجرای برنامه، رعایت حق الناس بشود و تا دیروقت ادامه نیابد (مثلا حداکثر ۲ ساعت باشد).

ویژه برنامه شب دوم: یادواره شهدا

۱. آنچه به تجربه در این سال‌ها حاصل شده و به گفته خود آنها بسیار اثرگذار و اثربخش است، انس و ارتباط با شهدا و ویژه برنامه‌هایی با محوریت آنهاست؛
۲. برای فضاسازی می‌توان از جعبه مهمات، کلاه خود، تور استتار، سربند و پلاک و... استفاده شود. طراحی صحنه با شهدای مدافع حرم و شهدای دفاع مقدس شود (دکور زیبا باشد)؛
۳. پخش کلیپ زیبا از مدافعان حریم اسلام؛
۴. قرائت قرآن؛
۵. ایجاد انگیزه اولیه توسط مجری؛
۶. اجرای تئاتر طنز دفاع مقدس، انفجار خنده و سپس اشک (این برنامه باید توسط افراد توانمند و بازیگران ماهر در نمایش طنز دفاع مقدس اجرا شود)؛
۷. روایتگری توسط راویان حتی المقدور روحانی قدرتمند باشد (جنبه احساسی و رفتاری داشته باشد)؛
۸. در لحظات پایانی روایتگری، بخش دیگری از هدایا مثل کتاب برای مطالعه دسته‌جمعی، چغیه، پلاک و... داده شود و از قبل به راوی گفته شود تا روی هدایا بین روایتگری شان مانور بدهند.

تذکر: در زمان روایتگری، چراغ‌ها خاموش شود. غالباً به خاطر این‌که نوجوانان در این سن به سختی گریه می‌کنند، اگر چراغ‌ها خاموش باشد، راحت‌تر اشک می‌ریزند.

ویژه‌برنامه شب سوم: هیئت شهادت حضرت زینب علیها السلام

۱. مسؤل فرهنگی قبل از شروع برنامه، نسبت به ویژه‌برنامه این شب انگیزه‌سازی عالی داشته باشد؛ مثلاً با گفتن چنین جمله‌ای: «بچه‌ها! امشب یه مهمون ویژه داریم و...»؛
- نکته: از صبح آن روز تا شب، تمام حلقه‌ها روی سبک زندگی و رفاقت با شهدا تبلیغ کنند تا معرفت نسبت به شهید به صورت عقلانی بیشتر شده باشد.
۲. پخش کلیپ زیبا از شهدای مدافع حرم؛
۳. تلاوت قرآن؛
۴. سخنرانی (یا روایتگری) و روضه خوانی؛
- نکته: در اثناء سخنرانی دستمال اشک و دیگر هدایا مثل برگه‌های وصیت‌نامه‌نویسی و... مربوط به هیئت بین بچه‌ها توزیع شود.
۵. آوردن شهید گمنام و طواف دادن در مسجد و استقرار شهید در محل آماده شده و برنامه روایتگری و روضه خوانی (راوی توانمند باشد و بیشتر به بعد احساسی و رفتاری دانش‌آموزان هنگام حضور شهید توجه داشته باشد)؛
۶. پارچه‌کشی روی تابوت شهید برای نوشتن روی آن؛
۷. از قبل به معتکفین و حتی مربیان اطلاع‌رسانی نشود.

ویژه برنامه روز چهارم

۱. بیان اعمال ام داوود و معرفت سازی و بیان فلسفه آن قبل از اذان ظهر؛
۲. اعمال ام داوود بعد از نماز عصر شروع شود؛
۳. ابتدا سوره توحید و حمد و آیت الکرسی خوانده شود؛
۴. بعد از انجام اعمال ابتدایی، نوبت ویژه برنامه زیبای خاطره شیرین است که به هر سرگروه سهمیه یک نفر داده شود تا دانش آموزان متنی را درباره حضور خود در اعتکاف و اتفاقات جذاب و تأثیرگذاری که برای آنها پیش آمده، بنویسند و برای عموم بچه ها بازگو کنند (شیوه اجرای برنامه بسیار مهم است. برای همه صندلی گذاشته شود؛ فضای برنامه آماده باشد؛ قبل از شروع برنامه، خادم فرهنگی بسیار مانور دهد؛ البته نوشتن اینها همه قبل از اذان ظهر است و فقط اجرای برنامه برای بعد نماز باشد)؛
۵. بعد از ویژه برنامه، یک ربع استراحت؛
۶. سوره اول اعمال ام داوود به صورت جمعی خوانده شود و بقیه سوره ها بین حلقه ها پخش شود؛
۷. جزء سی ام توسط نوجوانان هم خوانی شود؛
۸. خواندن دعای ام داوود؛
۹. مناجات خوانی؛
۱۰. ویژه برنامه وداع (در این جا جمع بندی اعتکاف است و اساتید باید سخنان مهم را در لحظات پایانی بگویند که ان شاء الله تأثیرگذار باشد؛
۱۱. آوردن پرچم حرم حضرت زینب علیها السلام؛
۱۲. پخش کردن عکس شهید ابراهیم هادی بین معتکفین و نهایتاً عهد نامه نوشتن با شهید و سپس پخش کردن این عهد نامه ها.

بسته‌های محتوایی پیشنهادی

لازم به ذکر است که در انتهای کتابچه، برای طرح و برنامه‌هایی که گفته شد، به محتوایی اشاره کرده ایم؛ البته محتوای تمام طرح‌ها و ایده‌ها را به صورت مفصل و متنوع در کانالی در ایتا به آدرس: @seroztabinahayat که به این منظور طراحی شده است، آورده ایم. ان شاء الله مورد استفاده همه مریبانی که در حال برگزاری اعتکاف دانش‌آموزی می‌باشند، قرار بگیرد.

در پایان از دوستانی همچون حجج اسلام آقایان: آبیار، نوروزی، شعبانی و آب‌انباری که ما را در نهایی شدن این کتابچه همراهی کردند، تشکر می‌کنیم.

این اثر تولید جبهه فرهنگی «میقات ظهور»، گروه پژوهشی تبلیغی امام محمد باقر علیه السلام می‌باشد.

محتوای حلقه‌های دانش‌آموزان (اعتکاف ۱۴۰۱)

• • • •

مقدمه

با سلام خدمت مریبان و مبلغین عزیز

با توجه به این‌که شعار امسال ما در اعتکاف این جمله سردار شهید اسلام، حاج قاسم سلیمانی می‌باشد که می‌فرماید: «خدایا! مرا بپذیر آن‌چنان‌که شایسته تو باشم» و با توجه به شرایط ویژه کشور و موقعیت خاص این نوجوانان و این‌که آنها جایگاه خودشان را در این برهه از تاریخ باید بشناسند، مطالبی که در حلقه‌های این نوجوانان مطرح می‌شود، این خط فکری را دنبال می‌کند که در انتها این مفهوم به او منتقل شود:

الآن که در این مسیر قرار گرفتی، یعنی همان مسیر حاج قاسم که آن قدر خدا برایش مهم بود که می‌گفت: «خدایا مرا بپذیر آن‌چنان‌که شایسته تو باشم» و خود را وقف خدا و اسلام کرد، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی و سعی می‌کرد حرف خدا را پیاده کند، این بهترین مسیر است؛ چراکه هم پشتوانه محکم و هم آینده درخشانی دارد.

پشتوانه محکم از این جهت که این مسیر، همان مسیر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است، و آینده درخشانی دارد از این جهت که آینده این مسیر ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام و سربازی در رکاب ایشان است. لذا قدر این موقعیت و این مسیر را بدانیم تا این شاء الله از سربازان واقعی آن حضرت قرار بگیریم.

توضیحات

۱. این محتواها برای این است که مریبان محترم توجه پیدا کنند که سیر بحث از کجا و به کجا باید برسد؛ وگرنه در نحوه بیان باید متناسب با گروه باشد.
۲. حتی الامکان مباحث به جز احکام به صورت مباحثه انجام گیرد و سعی شود تا همه دانش‌آموزان را داخل در بحث کنید.
۳. مریبان محترم سعی کنند قبل از شروع مباحث، کاملاً به محتوا مسلط شوند و حول موضوعات آن پژوهش کنند؛ زیرا ما فقط به صورت کلی بحث پرداخته‌ایم و اطلاعات تکمیل‌تر بر عهده مربی محترم می‌باشد.
۴. نکته قابل توجه دیگر این‌که نقاط بحثی را که دانش‌آموزان باید به آن برسند، مشخص کنند و نظرات دانش‌آموزان را به آن نقاط سوق دهند.

معرفی امیرالمؤمنین علی عليه السلام

ما با معرفی حضرت علی عليه السلام می‌خواهیم جریان حق و باطل را از زمان صدر اسلام نشان دهیم و این‌که تاکنون همان دو جریان ادامه دارد.

۱. علی عليه السلام اولین مردی بودند که به اسلام ایمان آوردند و در ادامه، در جلسه‌ای که پیامبر صلى الله عليه وآله دعوت خصوصی را شروع کردند، تنها کسی بودند که با ایشان بیعت کردند.
۲. جریان جنگ خیبر و این‌که ایشان بعد از اولی و دومی آمدند و درب خیبر را از جا کردند و به واسطه ایشان جنگ خیبر به نفع اسلام به پیروزی رسید و وعده‌ای که پیامبر صلى الله عليه وآله داده بودند.
۳. جریان غدیرخم و این‌که این آخرین حج پیامبر صلى الله عليه وآله بود و خداوند به ایشان دستور می‌دهد که باید جانشین خود را معرفی کند. پیامبر نیز همه را متوقف می‌کنند و فرمان می‌دهند که با امیرالمؤمنین عليه السلام بیعت کنند.

۴. پیامبر ﷺ هنگام شهادت به همه دستور می‌دهند که به جنگ بروند، به جز بعضی از اصحاب از جمله امام علی علیه السلام، ولی برخی از جمله خلیفه اول و دوم به دستور ایشان عمل نمی‌کنند.
 ۵. بعد از شهادت پیامبر ﷺ اصحاب به جای این‌که پیامبر را تشییع و دفن کنند، شورای سقیفه را راه انداختند تا جانشین برای ایشان انتخاب کنند.
 ۶. حضرت زهرا علیها السلام با فرزندانشان شبانه به درب خانه انصار و مهاجر می‌رفتند و یادآور غدیر می‌شدند.
 ۷. به زور از امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت گرفتند.
 ۸. مردم بعد از خلیفه سوم به در خانه علی علیه السلام هجوم بردند و به زور ایشان را مجاب کردند که خلیفه مسلمین شوند.
 ۹. وقتی با علی علیه السلام بیعت کردند، به خاطر عدالتی که ایشان می‌خواستند در جامعه پیاده کنند، چند جنگ را بر علی علیه السلام تحمیل کردند و در آخر، در جنگ صفین ایشان را مجبور به توقف جنگ و صلح با معاویه کردند.
 ۱۰. معاویه در شام علیه علی علیه السلام دست به جنگ تبلیغاتی می‌زند و تا جایی پیش می‌رود که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام را به شهادت می‌رساند، مردم می‌گفتند: مگر علی هم نماز می‌خواند؟! یا این‌که به بچه‌ها بزغاله می‌دادند و شبانه می‌زدیدند و می‌گفتند: علی آنها را دزدیده است!
 ۱۱. این مسیر ادامه پیدا کرد و تا امروز هم ادامه دارد؛ کما این‌که الآن هم خیلی راحت می‌گویند: امام حسین علیه السلام به خاطر یک زن با یزید جنگ کرد!
- پس خدا را شکر که ما هم در این مسیر و در سپاه اسلام قرار گرفتیم و نفس می‌کشیم؛ چراکه امروزه سپاه دشمن با شیوه‌های گذشته و ابزارهای جدید در حال تلاش است و ما باید با شناخت این شیوه‌ها و نحوه مقابله اهل بیت علیهم السلام با دشمنان و معاویه‌صفتان، نقش خود را در این جنگ حق علیه باطل ایفا کنیم.

نکته: مریبان محترم از این بحث، بیشتر به جنبه جهاد تبیین نظر داریم؛ لذا مباحث تاریخی را با مباحث روز تطبیق دهید و به صورت مباحثه‌ای با دانش‌آموزان مطرح کنید.

دوست‌یابی

کیست که می‌تواند به ما بگوید با چه کسی دوست شویم و با چه کسی دوست نباشیم؟

کسی که ما را خلق کرده و می‌داند که ما چگونه زندگی می‌کنیم. چون ایشان بر کل احوالات ما اشراف کامل دارد (چون ما مخلوق او هستیم)؛ مثل کارخانه‌ای که تلویزیون را ساخته است، اوست که به ساخته خود اشراف و تسلط دارد و شما از او می‌خواهید که به شما یاد بدهد که چگونه از این تلویزیون استفاده کنید تا خراب نشود و او هم دفترچه راهنما را به شما می‌دهد و نصاب هم می‌فرستد.

خداوند خالق ماست و اوست که به ما می‌گوید با چه کسی رفیق شویم و با چه کسی رفیق نشویم. خداوند توسط آن نصاب‌هایش که معصومین علیهم‌السلام باشند، به ما می‌گوید که چگونه دوست انتخاب کنیم.

با چه کسانی دوست شویم؟

امام علی علیه‌السلام: «برترین دوست و برادر تو کسی است که در کار خیر سبقت گیرد و تو را هم به سوی خیر بکشاند و تو را به نیکی فراخواند و یاری کند. (میزان‌الحکمة، ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۶۷)

امام صادق علیه‌السلام: «محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌های مرا پیش من هدیه آورد (و آنها را به من گوشزد کند)». (اصول کافی، ج ۴، ص ۴۵۲)

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله: «هم‌نشین شایسته همانند عطر فروش است؛ اگر چیزی به تو ندهد، بوی عطرش به تو خواهد رسید». (کنز العمال، ج ۹، ح ۲۴۶۷۶)

مولا علی علیه السلام: «بهترین برادران تو کسی است که با راست‌گویی خود، تو را به راست‌گویی دعوت کند و با اعمال نیک خود، تو را به بهترین کارها فرا خواند.»
(غررالحکم، ج ۳، ص ۴۳۴)

مولا علی علیه السلام: «بهترین دوست تو کسی است که تو را شیفته آخرت کند و نسبت به دنیا بی‌ رغبت کند و تو را در فرمان برداری از خدا کمک کند.»

امام علی علیه السلام: «صُحْبَةُ الْوَلِيِّ اللَّيْبِ حَيَاةُ الرُّوحِ»؛ هم‌نشینی با دوست دانا سبب زنده بودن روح است.

با چه کسانی دوست نشویم؟

امام صادق علیه السلام: «هر زمان امیر مؤمنان علی علیه السلام بر منبر می‌رفت، می‌فرمود: شایسته است مسلمان از رفاقت با سه نفر دوری کند: پرروی بی‌باک تبهار؛ احمق و دروغگو». (اصول کافی، ج ۴، ص ۴۵۳)

امام علی علیه السلام: «بدترین دوستان کسانی‌اند که هنگام آسایش پیوند دارند و هنگام گرفتاری جدا می‌شوند». (غررالحکم، ج ۴، ص ۱۷۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «از هم‌نشینی با دوست بد پیرهیز، چون تو با او شناخته می‌شوی». (کنز العمال، ج ۹، ص ۲۴۸۴۴)

امام باقر علیه السلام: «با چهار شخص معاشرت و دوستی نکن: احمق، بخیل، ترسو و دروغگو؛ زیرا شخص احمق می‌خواهد به تو سود رساند، ولی صدمه می‌زند، و آدم بخیل و تنگ نظر از تو می‌گیرد، اما پس نمی‌دهد، و ترسو از تو و پدر و مادرش فرار می‌کند و دروغگو اگر راست بگوید، کسی باور نمی‌کند». (خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۴۴).

امام صادق علیه السلام: «پیرهیز از این‌که دوستی کنی با کسی که برای طمع و ترس یا هوای نفس و خوردن و آشامیدن رو به تو می‌آورد و در جست‌وجوی دوستی با پرهیزگاران باش». (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۲)

اما رفیق ناشایست و دوست جاهل همچون زهری است که وجودش هر لحظه جسم و جان را آزار می‌رساند. در روایات اسلامی به شدت از دوستی با رفقای جاهل و بی‌خرد نهی شده است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ يُوْشِكُ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ»؛ کسی که از رفاقت و هم‌نشینی با احمق پرهیز نکند، تحت تأثیر کارهای احمقانه وی واقع می‌شود و زود به اخلاق ناپسندش متخلق می‌گردد».

امام صادق علیه السلام: «مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ لَمْ يَقُلْ فِيكَ سَوْءً فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا»؛ هر کس سه بار بر تو خشم گرفت، ولی به تو بد نگفت، او را برای خود به دوستی انتخاب کن». (معدن الجواهر، ص ۳۴)

امام علی علیه السلام: «خَيْرُ اخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْعَمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ»؛ بهترین برادرانت (دوستانت) کسی است که با راست‌گویی‌اش تو را به راست‌گویی دعوت کند و با اعمال نیک خود، تو را به بهترین اعمال برانگیزد. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۷، ح ۹۵۳۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا رَزَقَهُ اللَّهُ خَلِيلًا صَالِحًا»؛ هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد، دوستی شایسته نصیب وی خواهد نمود. (نهج‌الفصاحه ص ۷۷۶، ح ۳۰۶۴)

لقمان حکیم (رحمه الله): «يَا بُنَيَّ اتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَ أَلْفَ قَلِيلٍ وَ لَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَ الْوَاحِدُ كَثِيرٌ»؛ فرزندم! هزار دوست بگیر که هزار دوست هم کم است و یک دشمن بگیر که یک دشمن هم زیاد است. (امالی صدوق، ص ۶۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۴، ح ۴)

امام علی علیه السلام: «الْصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيَا عَنِ الظُّلْمِ وَ الْعُدُوَانِ مُعِينًا عَلَى الْبِرِّ وَ الْحَسَانِ»؛ دوست، کسی است که از ظلم و تجاوزگری بازدارد و بر انجام خوبی و نیکی یاری کند. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۵، ح ۹۴۷۷)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ : «مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَقُلْ فَيْكِ سَوْءٌ فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا»؛ هرکس سه بار بر تو خشم گرفت، ولی به تو بد نگفت، او را برای خود به دوستی انتخاب کن. (معدن الجواهر، ص ۳۴)

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُم مِّنْ يُخَالِلُ»؛ آدمی بر آیین دوست خود است؛ پس بنگرید با که دوستی می‌کنید. (امالی طوسی، ص ۵۱۸؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۲)

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : «لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ آخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ»؛ دوست اگر در سه مورد دوستش را حمایت نکند، دوست نیست: در شدت و گرفتاری او؛ در غیبت وی و پس از مرگش. (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴)

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «خوشبخت‌ترین مردم کسی است که با مردم بزرگوار دوستی و معاشرت کند. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۷)

شیطان اول تا بتواند (یک بار و دو بار هم، نه بلکه بیشتر) اجازه نمی‌دهد کسی که قبلاً چشمش بد کار می‌کرده، دیگر برگردد؛ مگر این‌که لطف خدا شامل حالش شود که برای این هم اولیای خدا نسخه دادند. یکی این‌که انسان از آن مکان گناه بیرون رود. دیگر این‌که انسان به جاهایی برود که با نگاه به آن جمالات، انسان را به یاد خدا بیاندازد. انسان وقتی به چهره برخی نگاه می‌کند، یاد گناه می‌افتد؛ چون چهره برخی، چهره شیطانی است و انسان را به گناه دعوت می‌کند. چقدر در روایات داریم که یک هم‌نشین، انسان را به قعر جهنم می‌برد. انسان را دعوت به گناه و فسق و فجور می‌کند و انسان را از مقام انسانیتش دور می‌کند. یک هم‌نشین هم انسان را دائم به یاد خدا می‌اندازد. تا انسان او را می‌بیند، یاد خدا می‌افتد و اصلاً از دنیا فارغ‌البال می‌شود. در دنیاست و مانند مردم عادی زندگی می‌کند؛ می‌خورد، می‌آشامد، ولی حلال. لذا وقتی انسان او را می‌بیند، به یاد خدا می‌افتد و اصلاً دغدغه دیگری ندارد.

انسان را به جای دیگر می‌برد. عکس اعظم و بزرگان، آن‌هایی که بر دل شما نشستند، گرفتاری‌های دنیا، جلیس خوب و پاک، نوری برای انسان است که به او آرامش می‌دهد. حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «بهترین هم‌نشین آن است که دیدنش شما را به یاد خدا بیندازد و سخنش بر دانش شما بیفزاید و رفتارش شما را به یاد قیامت وادارد».

نکته: مریبان محترم توجه داشته باشند که این روایات برای این است که شما به عنوان مهمات اضافه داشته باشید؛ لذا خودتان مطالعه و روایات مناسب را انتخاب کنید.

معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و وظایف ما نسبت به ایشان

چرا خداوند آخرین معصومش را غایب کرد؟

برای پاسخ به این سؤال باید به دوران زندگی چند امام پیش از ایشان یعنی امام رضا علیه السلام برگردیم.

مأمون برای این که بتواند امام رضا علیه السلام را به کنترل خود درآورد، امام را از مدینه به مرو آورد تا بتواند ایشان را در کنار خود نگه دارد. از ایشان به بعد تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پادشاهان مختلف برای این که اثرگذاری معصومین علیهم السلام را در بین مردم کم کنند، آنها را محدود و محدودتر کردند، تا جایی که امام هادی و امام حسن عسگری علیهم السلام را در یک پادگان نظامی زندانی و رابطه ایشان با مردم را خیلی محدود کردند. همه این کارها برای این بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را نابود کنند؛ چرا که در روایات متعدد از صدر اسلام و حتی قبل از اسلام، وعده به دنیا آمدن ایشان را داده بودند.

بزرگی می‌گفت: شهرداری وقتی یک لامپ در کوچه‌ای نصب می‌کند، بچه‌های کوچه با سنگ می‌شکنند و شهرداری دوباره نصب می‌کند و بچه‌ها دوباره می‌شکنند. تا چندین بار این کار را می‌کند، اما بالاخره شهرداری می‌گوید: دیگر

لامپ نصب نمی‌کنم تا یاد بگیرید این کار را نکنید.

به هر حال، خداوند آخرین ولیّ خودش را غایب کرد تا مردم بفهمند و درک کنند که تنها کسی که می‌تواند آنها را به سعادت برساند، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است و تا همه مستضعفین نخواهند، ایشان ظهور نمی‌کنند. در روایات متعدد داریم زمانی که ایشان بخواهند ظهور کنند، گناه زیاد می‌شود و زنان شبیه مردان می‌شوند، مردان شبیه زنان می‌شوند و... حال به نظر شما برای این که امام زمان ظهور عَلَيْهِ السَّلَام ظهور کنند، باید چه کار کنیم؟ آیا باید ما هم گناه کنیم یا باید کمک کنیم که گناه زیاد شود؟!

در جواب می‌گوییم:

یک سری روایات دیگر داریم که می‌گویند: در آخرالزمان انسان‌هایی تربیت می‌شوند که از کوه و فولاد محکم‌ترند که وقتی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ظهور می‌کنند، با کمک این انسان‌های محکم، دنیا را متحول می‌کنند. پس وظیفه ما این است که طوری تربیت شویم که مثل کوه محکم و از فولاد سخت‌تر شویم. برای این که بتوانیم محکم تربیت شویم، باید ببینیم یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام چگونه تربیت شدند؛ مثلاً حاج قاسم که تمام زندگی‌اش را وقف اسلام کرده بود، چگونه تربیت شد. ما هم بیایم زندگی‌مان را متناسب با زندگی حاج قاسم قرار دهیم؛ ببینیم او چه کار می‌کرد، ما هم همان رفتارها را در زندگی پیاده کنیم.

حاج قاسم عاشق حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بود. در بیت‌الزهرايي که خودش بانی‌اش بود، بعد از مراسم می‌رفت و دستشویی‌ها را می‌شست! تمام توجهش به امام خامنه‌ای بود؛ چراکه ایشان را نائب برحق امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانست.

پس وظیفه ما این است که مثل یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام تربیت شویم؛ مثل حاج قاسم و حاج قاسم‌ها تا مقدمات ظهور آقا را ایجاد کنیم.

آشنایی با شهدا و رفاقت با آنها

خیلی‌ها می‌پرسند که شهدا برای چه رفتند و شهید شدند؟

در جلسه گذشته بیان شد که برای این‌که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک شود، باید متناسب با دستورات آنها تربیت شویم؛ والا دنیا به سعادت نمی‌رسد. شهدا به خاطر این هدف رفتند و به شهادت رسیدند. حالا باید ببینیم آنها چه کردند، ما هم همان راه را برویم؛ چراکه آنها نشان دادند که از کوه محکم‌تر و از فولاد سخت‌ترند. مثل شهید حسین علم‌الهدی که در نوجوانی و قبل از انقلاب، وقتی یک سیرک به اهواز می‌آید تا جوانان آن‌جا را به انحراف بکشاند، بی‌تفاوت نمی‌نشیند؛ بچه‌های محل را جمع می‌کند و به آنها می‌گوید: ا باید کاری کنیم. نقشه می‌ریزند که سیرک را آتش بزنند. وقتی آتش می‌زنند، یک نامه برای مسئول سیرک می‌نویسند و او را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. یا مثل شهید مرحمت بالا زاده، وقتی جنگ می‌شود، دست روی دست نمی‌گذارد؛ بلکه وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. چون سنش کم بوده، هر کاری می‌کند، نمی‌گذارند به جنگ برود. اما با همان سن کم از ارومیه به تهران می‌آید و به دفتر ریاست جمهوری می‌رود؛ اما نمی‌گذارند رئیس‌جمهور را ببیند؛ شروع می‌کند سر و صدا کردن تا این‌که رئیس‌جمهور صدای این نوجوان را می‌شنود و می‌گوید: بگذارید بیاید ببینم چه می‌گوید. وقتی نزد ایشان می‌رسد، شروع می‌کند گریه کردن. بعد از چند لحظه به رئیس‌جمهور می‌گوید: به روضه خوان‌ها بگویید دیگه روضه حضرت قاسم را نخوانند! رئیس‌جمهور می‌پرسد چرا؟ می‌گوید: به خاطر این‌که نمی‌گذارند ما به جبهه برویم و می‌گویند سن شما کم است. مگر قاسم بن الحسن سنش کم نبود؟! رئیس‌جمهور دستور می‌دهند که به ایشان اجازه شرکت در جبهه را بدهید.

شهدای هم سن و سال شما چند ویژگی مشترک داشتند که حاضر می‌شدند خودشان را به زحمت بیاندازند تا به جبهه بروند و یار و یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشوند؛ در صورتی که هیچکس از آنها توقع نداشت. آن ویژگی‌ها این است:

۱. پرورش یافته مکتب امام حسین علیه السلام و هیأت امام حسین بودند؛
۲. اهل مطالعه زندگانی اهل بیت علیهم السلام و تاریخ اهل بیت بودند؛
۳. اهل احترام به پدر و مادر بودند.

وظیفه ما در جامعه

بعضی سؤال می‌کنند: مردم برای چه انقلاب کردند؟

مهم‌ترین دلیل این‌که مردم ما انقلاب کردند، این بود که انقلاب قرار است مقدمات ظهور را فراهم کند. دوران ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل دوران تولد حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. در آن دوران قبل از این‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا بیایند، پیامبران گذشته بشارت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله را به پیروانشان داده بودند و آنها سینه‌به‌سینه و در کتاب‌هایشان به نسل‌های بعدی خود انتقال داده بودند؛ لذا مسیحیان و یهودیان می‌دانستند که قرار است پیامبری در شبه جزیره عربستان به دنیا بیاید. به همین دلیل در اطراف شهر مکه سکونت کردند تا اگر به دنیا آمد، با ایشان بیعت کنند. بعدها دیدند که اگر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بیایند، بازار آنها کساد می‌شود. به همین دلیل تصمیم به نابود کردن ایشان گرفتند و لذا حضرت عبدالمطلب و ابوطالب و خانواده ایشان که از بزرگان قریش و شهر مکه بودند و قدرت زیادی بین مردم داشتند، از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کردند و نگذاشتند به ایشان آسیبی وارد شود، تا خداوند آخرین نبیّ خودش را برای هدایت مردم مبعوث کند.

بنابراین، انقلاب اسلامی هم باید بتواند در جهان با قدرت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دفاع نماید و جان ایشان را از خطرهای احتمالی حفظ کند.

پس مردم ما انقلاب کردند تا بتوانند به چنین توانی برسند و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک‌تر کنند. ولی دشمن این را نمی‌خواهد و می‌کوشد تا این اتفاق نیفتد. بین مسئولین نفوذ می‌کند؛ مردم را تحریم می‌کند؛ جنگ به راه می‌اندازد و... که جلوی این زمینه‌سازی را بگیرد؛ وگرنه بزرگان این انقلاب

بارها گفته‌اند که ما انقلاب کردیم برای زمینه‌سازی ظهور آقا امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَوْزَهُ الْكَرِيمَ؛ حالا برای این زمینه‌سازی باید چه کنیم و چه وظیفه‌ای داریم؟ باید ببینیم چگونه می‌توانیم در این مقدمات ظهور نقش ایفا کنیم.

یکی از کارهای مهم این است که هرآنچه نیاز داریم، از علم و مهارت، یاد بگیریم؛ یعنی خوب درس بخوانیم و مهارت‌های لازم را برای پیشبرد این هدف به دست آوریم، و این‌که به دیگران هم این دغدغه را انتقال بدهیم، تا هرچه زودتر ظهور حضرت یار نزدیک‌تر شود.

روایتگری دانش آموزی



لازم به ذکر است که این روایتگری، متعلق به سیره شهدا می باشد.

فیش روایتگری دانش آموزی	
موضوع	احترام به پدر و مادر پیام: نماز
مخاطب	پسرهای دانش آموز دوم دبیرستان

انگیزه سازی

باید که رسم و راه دلم را عوض کنم شد شد، نشد نگاه دلم را عوض کنم
یا باید آن حبیب بیاید شکار دل یا من چراگاه دلم را عوض کنم
با این سلیقه، هیچ نصییم نمی شود باید بخواه نخواه دلم را عوض کنم
گهگاه رازهای دلم فاش می شود باید که دلِ چاه دلم را عوض کنم
دیگر به امر و نهی دلم بی تفاوتم باید که پادشاه دلم را عوض کنم
خوشا به حال کسانی که پادشاه دلشون رو امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک قرار دادن.

«محسن ضیایی» به نوجوونه، مثل همه شما که به این سفر روحانی آمدید. داخل کوچه با دوستانش مشغول فوتبال بازی بود که به زمین می افته و سرش به سنگ می خوره و بی هوش می شه. هرچه دوستاش صداش می زنن، جواب نمی ده. بزرگ ترها میان محسن رو بعد از یک ربع به هوش میارن. محسن بعد از اون ماجرا که میاد خانه، مادر بهش گفت: محسن برو نون بگیر. پول رو از مادر می گیره که بره نون بگیره. میاد دم در. قبل از خارج شدن از خانه، با خودش می گه برای چی می خواستم

برم بیرون؟ برمی‌گرده از مادر می‌پرسه مادر چی گفتی بگیرم؟ مادرش می‌گه تا سه بار این اتفاق تکرار شد. نگرانش شدم؛ دنبالش رفتم. بین راه بقال محل بهم گفتم: محسن که با بچه‌ها بازی می‌کرد، زمین خورد و یک ربع بی‌هوش بود. حواستون بهش باشه. نگرانی مادر بیشتر شد و همراه بابای محسن بردنش دکتر. دکترش گفت: خدا رو شکر مشکل خاصی نیست؛ اما اگر کارهای غیرعادی انجام داد، ببریدش بیمارستان، باید بستریش کنید.

مادرش می‌گفت: دیدم محسن رفته لب حوض و وضو می‌گیره و نماز می‌خونه. خودم آماده شدم به محسن هم گفتم آماده شو بریم دکتر! چرا؟ مگه چی شده؟ آخه آقای دکتر تأکید کرد که اگر کار غیرعادی انجام دادی، سریع ببرمت بیمارستان بستری بشی. آخه تو هیچ وقت اهل وضو و نماز خواندن نبودی! زود آماده شو بریم دکتر. محسن گفت: من خوبم مادر. اما مادر خیلی اصرار می‌کنه. محسن می‌گه: موقعی که بیهوش شدم، یه آقای با عمامه سبز بهم گفت: محسن چرا نماز نمی‌خونی؟ چرا مسجد نمی‌ری؟ یه دستی روی سرم کشید و به هوش آمدم و همه با نگرانی بالای سرم بودند. الان می‌خوام برم مسجد نماز بخونم.... کم‌کم عضو بسیج شد و لباس رزم پوشید و به جبهه رفت.

یکی از دوستان صمیمی محسن می‌گفت: یک شب مسجد خیلی خلوت بود و از اون هیا هوی همیشگی خبری نبود. صدای گریه عجیبی می‌آمد. دنبال صدا رفتم؛ دیدم محسنه. اول فکر کردم به حال خودش رهانش کنم. بعد طاقت نیاوردم؛ آخه ما با هم خیلی دوست بودیم؛ هم محلی بودیم. رفتم جلو و علت گریه‌اش رو پرسیدم. نمی‌خواست بگه. اصرار کردم و قسمش دادم که باید بهم بگی. با هق هق صدایش گفت: تو همین عملیاتی که در پیش داریم، شهید می‌شم! نشون به اون نشون که یه تیر می‌خوره به پهلو، یه تیر هم می‌خوره به پیشونیم، یه ترکش هم به عشق حضرت زهرا علیها السلام می‌خوره به صورتم!

اوست نشسته در نظر، من به کجا نظر کنم؟

اوست گرفته شهر دل، من به کجا سفر کنم؟

وقتی از درب ورودی شلمچه وارد می‌شدید، اگر دقت کرده باشید، سردر ورودی کلام شهید سید مجتبی علمدار نوشته شده:

«این جا بوی چادر خاکی مادرمان زهرا سلام الله علیها را می دهد».

یکی از رموز موفقیت و ماندگار شدن شهدا و این که شما از راه دور آمدید، آنها را زیارت کنید، توسل و ارتباط قوی آنها با اهل بیت علیهم السلام در طول جنگ است؛ مخصوصاً با فاطمه زهرا علیها السلام، هر کاری گره می خورد، رمز «یا زهرا» مشکل گشا بود. حضرت زهرا علیها السلام فقط مادر بچه سیدها نیست؛ مادر تمام محبین و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هم هست.

از ۹۱ عملیاتی که در طول دفاع مقدس انجام شده، رمز ۱۲ عملیات به نام فاطمه زهرا علیها السلام بوده. یکی از اون عملیات ها عملیات پیروزمندان کربلای ۵ هست که در این منطقه یعنی شلمچه انجام شد. این جا خیلی ها رو آروم می کنه. یک سال به جوان دانشجو از مشهد آمده بود، می گفت: این جا که آمدم، زیر و رو شدم. این خاک من رو گرفت. حاج آقا می خواستم برم زرتشتی بشم، این جا که آمدم پشیمون شدم. افتخار می کنم که مسلمان و شیعه هستم.

رفقا! مادر واژه ای آرامش بخشه. پدر و مادر یکی از سکوهای پرتاب شهدا به سمت خدا بودند. شهدا از این فرصت خوب استفاده کردند و پذیرفته شدند. آنها هم مثل همه ما خاکی بودند؛ اما خاکی نماندند و افلاکی شدند. ما هم می توانیم از این سکوی پرتاب به سمت خدا استفاده کنیم. هر کاری دارید، از مادرتون بخواید که براتون دعا کنه.

مادر شهید کمیل صفری تبار می گفت: هر موقع زنگ می زد و با هم حرف می زدیم، بهم می گفت برام دعا می کنی؟ منم می گفتم: ان شاء الله داماد بشی... می گفت: نه مادر؛ اون دعا رو بکن (منظورش دعا برای شهادتش بود). منم هیچ وقت براش دعا نکردم. یه روز که زنگ زد، خیلی اصرار کرد و قسمم داد که دعا کنم تا شهید بشه. منم سر نماز از ته دلم دعا کردم شهید بشه. چند روز بعد خبر شهادتش رو برام آوردند! دعای مادر عجیب کارساز هست.

افق اندیشه

در چهار جای قرآن، در کنار توحید، امر به اطاعت و نیکی به والدین آمده:

«وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۲

۱. مصاحبه با مادر شهید.

۲. نساء، ۳۶.

خدا را بپرسید و چیزی را شریک او مسازید و با پدر و مادر خود نیکی کنید.

شاید این تأکید به این خاطر باشد که بزرگ‌ترین نعمت‌ها نعمت هستی و حیات است که اول از طرف خدا صادر می‌شود، بعد از طرف والدین؛ اگر آنها نبودند، ما هم نبودیم.

شخصی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: گناهان زیادی کرده‌ام؛ آیا راهی برای بخشش هست؟ حضرت فرمود: «آیا پدر و مادر داری؟» گفت: پدر دارم. فرمود: «برو و به او نیکی کن.» وقتی رفت، حضرت فرمود: «ای کاش مادر داشت.»^۱

گشودن بال که کنایه از تواضع است، فقط دو جا در قرآن کریم آمده است: پیامبر ﷺ در برابر مؤمنین و فرزند برای والدین.^۲

فرقی هم نمی‌کند؛ سن و زور و هیكل و مقام و منصب چی هست؛ در هر حالی باید تواضع داشته باشی. شهید مجید شهریاری استاد هسته‌ای دانشگاه سرکلاس درس به هیچ تلفنی جواب نمی‌داد، مگر تلفن مادرش که سرکلاس با همان زبان ترکی با مادرش حرف می‌زد. کار مادرش بر همه کارهایش حتی جلسات مهم مقدم بود.^۳

پدر موشکی ایران شهید طهرانی مقدم کسی که روی سنگ قبرش بنا به وصیت خود شهید نوشته شده: «این جا مدفن کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند.» می‌گفت مادر با وجود این که برادرهای دیگرم هستند، اما هر کاری، ولو کوچک داشتی، به من بگو.

افتادگی آموزاگر طالب فیضی هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است با تواضع و افتادگی جلوی پدر و مادر بزرگ می‌شیم و عزیز. هر کس به هر جا رسید، از دعای مادر رسید. به ادیسون گفتند: تو کندذهن بودی، چطور شد که برق رو اختراع کردی؟ گفت به خاطر دعای مادرم!^۴

بی‌جهت نیست که خدا بعضی‌ها رو گلچین می‌کنه. هرکه بیشتر به والدینش احترام

۱. الزهد، النص، ص ۳۵.

۲. «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» شعرا / ۲۱۵، «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ» اسراء، ۲۴.

۳. حسین مروتی، شهید علم، انتشارات دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ص ۳۴.

۴. داستان‌هایی از پدر و مادر.

بگذاره، خدا هم بیشتر دوستش داره. رسول خدا ﷺ می فرماید:

«رَضِيَ اللهُ فِي رِضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُهُ فِي سَخَطِهِمَا»؛ رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است و خشم خدا در خشم پدر و مادر.

دریای بی کران رحمت الهی با ناراحتی پدر و مادر طوفانی می شود. فقط در یک صورت می شود از فرمان آنها سرپیچی کرد؛ این که امر به معصیت یا شرک به خدا کنند. در این صورت ولو این که ناراحت می شوند، باید با رعایت ادب و احترام، حرف آنها را گوش نکرد.

همه ما می دونیم که نماز چقدر مهمه و خداوند در قرآن چقدر بر آن تأکید کرده است. در هیچ حالی نماز از انسان برداشته نمی شه. نماز رو باید ایستاده خوند. اگر کسی نتونه بایسته، نشسته می خواند و اگر آن هم نشد، باید خوابیده بخواند. حالا بماند که بعضی ها تنبلی می کنند و نمازشان را نمی خوانند و شیطان از آنها سواری می گیرد. برید خاطرات اسرای جنگ رو بخونید. زیر شکنجه با سر و صورت شکسته و خونی، توی سرما و گرما، نمازشون رو ترک نمی کردن، اما ما در خانه، در کمال آسایش و راحتی به نمازمون اهمیت نمی دیم.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا»؛ اولین چیزی که بنده از آن بازخواست می شود، نماز است. اگر نماز پذیرفته شد، اعمال دیگر قبول می شود، و اگر پذیرفته نشد، اعمال دیگر نیز پذیرفته نمی گردد.

خدایی که این قدر نماز برایش مهم است و مدام در قرآن انسان ها را به نماز و اقامه آن امر کرده است، می فرماید: اگر مشغول نماز مستحبی بودید و پدر یا مادرت تو را صدازند، نمازت را بشکن و جواب آنها را بده.

از چشمای بعضی هاتون می شه فهمید که می خواید بگید: حاج آقا پدر و مادرمون بهمون گیر الکی می دن. یا ممکنه بعضی از پدر و مادرها مقید به دستورات اسلام و دین نباشند یا بدرفتارن و دست کتک زدن دارن و خیلی چیزای دیگه. باز هم باید به اونا احترام بگذاریم؟

خداوند در قرآن فرموده است: «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» به پدر و مادرت نیکی کن. فرموده که اگر مسلمان و خوش رفتار و خوش برخورد بودند، احترامشون رو نگه دار. می‌فرماید: به پدر و مادرت احترام بگذار، ولو کافر باشه؛ ولو بد اخلاق باشند و زیاد هم بهت گیر بدهند.

پس ما چی کار باید بکنیم که طاقت این همه گیر دادن الکی نداریم؟

یه راه حل داره، اونم اینه که پدر و مادر شما رو عوض کنیم که زیاد به شما گیر ندن! می‌شه؟ این چه حرفیه؟ معلومه که نمی‌شه. پس یه راه حل دیگه می‌ماند و آن هم تحمل ماست در برابر همه بد اخلاقی‌ها و گیر دادن‌های آنها. اگر ما رو کتک هم زدند، دستشون رو ببوسیم.

اصلاً تا حالا شده دست پدر و مادرمون رو ببوسیم؟ بعضی‌ها می‌گن خجالت می‌کشیم. خجالت نداره. درود و رحمت خدا بر کسی که تواضع می‌کنه و دست پدر و مادرش رو می‌بوسه. شهدا این طوری بودند.

صد بار بدی کردی و دیدی ثمرش را خوبی چه بدی داشت که یک بار نکردی بارها با اونا بد رفتاری کردیم و اونا هم به ما گیر دادند. بیاید از این سفر که برگشتید، اول کاری که می‌کنیم، بوسیدن دست پدر و مادرمون باشه. اون وقت نتیجه این محبت رو خواهید دید.

پرورش احساس

از دست پدر و مادرهامون خیلی کارها برمیاد. باید مراقب باشیم. مقام و منزلت پدر و مادر پیش خداوند بسیار بالاست. خداوند به برخی افراد خیلی حساس هست. مثلاً شهدا. می‌فرماید: فکر نکنید که آنها مرده‌اند؛ نه، آنها زنده‌اند و نزد من روزی می‌خورند:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱

پدر و مادر که اگر یک دعا کنند، مسیر زندگی انسان رو عوض می‌کند. اگر فقط یک آه بکشند و از دست ما ناراحت بشوند، زندگی ما رو نابود می‌کنه. رفقا یه زمانی ما این قدر

ناتوان بودیم که خودمون رو کثیف می کردیم، اما مادر با مهربانی ما رو تمیز می کرد. ما نمی تونستیم حتی حشره ای رو هم از خودمون دور کنیم، اما مادر از خواب خودش می زد تا ما آروم بخوابیم. حالا بعضی از ماها رفتیم بدن سازی و هیکلمون درشت شده، جلوی پدر و مادرمون می ایستیم و سرشون داد می زنیم و ... فقط کافیه خلاف نظر ما نظر بدهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ آبَوَيْهِ نَظَرَ مَا قَبْلَهُ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَفْعَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»؛ هرکس به پدر و مادر خود نگاه همراه با خشم کند، درحالیکه آن دو به او ستم (نیز) کرده باشند، خداوند نمازش را نپذیرد.

این خیلی حرف مهمی است. کدام پدر و مادر دوست دارند به بچه شون ظلم کنند؟ یعنی اگر پدر و مادر هم بهمون ظلم کنند و سرمون فریاد هم بزنند و اگر زیاد بهمون گیر می دن و ما رو کتک بزنن، اگر ما رو درک نمی کنن، زمانه اون ها با زمانه ما فرق کرده یا حتی مؤمن و مسلمان نباشند، ما حق نگاه خشم آلود و حتی حق آه گفتن هم نداریم، تا چه رسد به فریاد و کتک زدن و کم محلی کردن.

توی گرمای تابستان، بچه های محل سه تا تیم شده اند، توی کوچه هجده متری. تیم مهدی (زین الدین) یک گل عقب است. عرق از سر و صورت بچه ها می ریزد. چیزی نمانده بیازند. اوت آخر است. مادر می آید روی تراس و می گه: «مهدی! آقا مهدی! برای ناهار نون نداریم ها. برو از سر کوچه دو تا نون بگیر.» توپ زیر پایش است، اما می ایستد و بچه ها منتظرند. توپ را می اندازد به طرفشان و می دود سر کوچه.^۲

چند بار ما داشتیم فوتبال یا فیلم سینمایی نگاه می کردیم، مادر یا پدرمون ما رو صدا زدند و ما بی خیال شدیم و شاید غرغر هم کردیم؟ چند بار ما رونصیحت کردن، اما گردن کلفتی کردیم؟ مرام شهدا این نبود.

سخته، ولی شدنی هست. اگر می خواهیم شهدایی بشیم، باید مثل اونا بشیم. شهید محمد جواد تندگویان رشته مهندسی نفت قبول شد. مادرش بهش اجازه نمی داد که بره آبادان. هر چه محمد جواد اصرار کرد، فایده نداشت. وقتی دید مادرش راضی نیست، قید دانشگاه روزد و گفت: «من عاشق رشته مهندسی نفتم و دوست دارم برم

۱. همان، ج. ۲، ص ۳۴۹.

۲. یادگاران، کتاب زین الدین، ص ۲.

آبادان. مطمئنم اگه نرم، آینده‌ام خراب می‌شه؛ ولی چون مادرم راضی نیست، نمی‌رم. هر چی ایشون بگن، همون کار رو می‌کنم.» این رو که گفت، مادر دلش نرم شد و دیگه مخالفت نکرد.^۱

این یعنی کریمانه با والدین برخورد کردن. قرآن می‌فرماید: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا».^۲ گزارشگر به خانه شهید سید مهدی اسلامی خواه آمد تا با مادرش مصاحبه کند. مادر گفت: سید مهدی هیچ وقت پاشو جلوی من دراز نمی‌کرد. اگر من از آشپزخانه می‌آمدم داخل حال، جلوی پام تمام‌قد می‌ایستاد. تا من نمی‌نشستم، او هم نمی‌نشست. فقط یک جا پاشو جلوی من دراز کرد، اون هم بعد از شهادتش بود که روی سنگ غسال‌خانه خوابیده بود! بهش گفتم: سید مهدی تو که هیچ وقت پاتو جلوی من دراز نمی‌کردی، حالا چی شده...؟! مادر می‌گه دیدم به اذن خدا از گوشه چشمش به قطره اشک چکید. یعنی مادر اگر مجبور نبودم، جلو پات تمام‌قد می‌ایستادم.

ما چقدر بی‌حرمتی کردیم و سر پدر و مادرمون غر زدیم؟ چند بار برای این‌که دوستانمون بهمون نگن «بچه‌نه» یا «بچه‌سوسول» جلو پدر و مادرمون ایستادیم و سرشون داد زدیم؟ چقدر زشت بود که بابا از سر کار آمد و منم جلوی تلویزیون دراز کشیده بودم و فوتبال تماشا می‌کردم و حاضر نشدم سلام کنم یا بلند بشم و بنشینم! چندبار خجالت کشیدی بابا و مادرت رو به دوستان نشون بدی، فقط به این خاطر که روستایی‌اند یا خیلی سواد ندارند؟

این شهدا مثل من و شما بودند و داخل همین سرزمین زندگی می‌کردند. از کره دیگه که نیامده بودند. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«رَضِيَ اللهُ فِي رَضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطَهُ فِي سَخَطِهِمَا»^۳؛ رضایت خدا در رضایت پدر و مادر و خشم خدا در خشم پدر و مادر است.

مادر یکی از شهدا می‌گفت: چند ماه بود که از پسرم خبر نداشتم. تماس گرفت، خیلی دلم براش تنگ شده بود. به خاطر ناراحتی و دل‌تنگی از پشت تلفن بهش گفتم: شیرم رو حلالیت نمی‌کنم اگر نیای ببینمت. گفت: چشم و خدا حافظی کرد. با خودم گفتم:

۱. فلش کارت ترم آخر. شماره ۱.

۲. اسراء، ۲۳.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

حالا به چیزی گفت. اون که چند ماهه نیامده، حالا هم نیامد. بعدش هم خیلی ناراحت شدم که چرا بهش گفتم شیرم رو حلالت نمی‌کنم. فردا اول صبح زنگ خانه به صدا درآمد. آمدم پشت در. انتظار دیدن هر کسی رو داشتیم، الا پسر. سلام کرد و دستم را بوسید و آمد داخل. تعجب من رو که دید، گفت بیخشید مادر جان! سرم خیلی شلوغ بود. باید زود تر می‌آمدم دست بوسی. رضایتم رو گرفت و مدام می‌گفت: مادر حلالم کن. من هم کلی شرمند شدم که چرا پشت تلفن اون حرف رو زدم. همان روز هم برگشت جبهه.

اگر کسی خدای نکرده به والدین خودش جسارت کند، در همین دنیا نتیجه عمل خودش رو می‌بیند. عاقق والدین یکی از گناهانی هست که در همین دنیا فرد عقاب عملش رو می‌بیند. مراقب باشیم هر برخوردی با پدر و مادرمون انجام دادیم، فرزندان ما در آینده با ما برخورد خواهند کرد. اگر خوبی کردی و احترام والدین رو نگه داشتیم، فرزندان ما هم به ما احترام می‌گذارند. اگر موقعی که داریم فوتبال یا برنامه مورد علاقه مون می‌بینیم، پدر یا مادر ما رو صدا زدن، ما بی تفاوت بودیم و اهمیت ندادیم، انتظار نداشته باشیم که فرزندان ما مطیع ما باشند و ما را سربلند کنند.

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفِّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ فَلْيَكُنْ لِقَرَاتِيهِ وَصُولاً وَبِوَالِدِيهِ بَارًا فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَلَمْ يُصِبْهُ فِي حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَدًا»؛ هر که دوست دارد خدا سختی‌های جان‌کندن را بر او آسان کند، باید صله رحم کند و به پدر و مادرش نیکی کند. چون چنین باشد، خدا جان‌کندن را بر او آسان کند و در زندگی دچار پریشانی و فقر نشود.

رفتارسازی

حالا که ما آمدم شلمچه، نزدیک‌ترین نقطه از ایران به کربلای سیدالشهدا علیه السلام و می‌خوایم مثل شهدا باشیم، چی کار باید بکنیم؟

اولین قدم برای هر کاری، خواستن جدی و قلبی هست؛ چون ممکنه پدر و مادرمون کاری بکنند یا حرفی بزنند که باعث ناراحتی ما بشه. باید قبلش تصمیم جدی داشته

باشیم که خودمون رو کنترل کنیم و کاری یا حرفی نزنیم که باعث ناراحتی اونا بشه. یا اگر حرف بدی زدیم، سریع جبران کنیم و نگذاریم دیر بشه. دستشون رو ببوسیم و عذرخواهی کنیم. مادر همه ما فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: «ألزم رجلها فإن الجنة تحت أقدامه!»^۱ مراقب و مواظب پای مادر باش (کنایه از تواضع و افتادگی در برابر مادر) برای این‌که بهشت زیر پای مادر است.

جا داره حتی پای مادرمون رو ببوسیم و خاک پای او را به چشمون بکشیم. آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته الله که به مقام مرجعیت رسید و نور چشم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و عزیز شد، به خاطر بوسیدن کف پای پدرش بود.

مردی مشغول طواف بود و مادرش را بر دوش گرفته، طواف می‌داد. پیامبر صلی الله علیه و آله را در همان حال دید و عرض کرد: آیا حق مادرم را با این کار به‌جا آوردم؟ فرمود: «نه، حتی جبران یکی از ناله‌های او را (به هنگام وضع حمل) نمی‌کنی»^۲.

قدم بعدی، انجام کارهای کوچکی مثل تقدم در سلام کردن، پا رو جلوی اونا دراز نکردن، اخم نکردن و رو برنگرداندن از اونا، ولو حق با ما باشه؛ ولو اونا بی‌خود و بی‌جهت گیر می‌دن و صدا رو بلند نکردن و چیزای دیگه که همه‌مون می‌دونیم نباید انجام بدیم. از شهدا که خوب بودن و ما رو دعوت کردند به این‌جا کمک بگیریم. سید مهدی اسلامی خواه، زین‌الدین، حسین خرازی، ردانی پور، ...

پیرمرد می‌گفت: جوون! دستت چی شده؟ تو جبهه این طوری شدی یا مادرزادیه؟ حاج حسین خندید و آن یکی دستش را آورد بالا و گفت: این جای اون یکی رو هم پر می‌کنه. یه بار تو اصفهان با همین یه دست، ده دوازده کیلو میوه خریدم برای مادرم. پیرمرد می‌گفت: دیدم این چه جوون بی‌تکبری بود. ازش خوشم اومد. دیدی چطور حرف رو عوض کرد؟ اسمش چیه این؟ گفتم: حاج حسین خرازی. راست نشست و گفت حسین خرازی، فرمانده لشکر؟!

فرمانده لشکر هم که باشی، باید در برابر پدر و مادر تواضع و افتادگی داشته باشی. بابای حاج حسین می‌گفت: گفتم: حسین، بابا! بده من لباساتو می‌شورم. یک دستش قطع بود. گفت: نه، چرا شما؟ خودم یه دست دارم با دوتا پا. نیگا کن. نگاه می‌کردم.

۱. عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، ص ۹۱۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۰.

پاچه شلوارش را تا زرد بالا، رفت توی تشت. لباس هایش را پامال می کرد. یک سر لباس هاش را می گذاشت زیر پاش، با دستش می چلانده.^۱

چیزی که در توان آنها نیست، ازشون نخوایم و اونا رو شرمندانه نکنیم. مادر شهید عباس بابایی می گفتند: من هفت فرزند دارم و عباس در میان فرزندانم «برترین» آنها بود. خیلی مهربان و کم توقع بود. با توجه به این که رسم بود تا هر سال شب عید برای بچه ها لباس نو تهیه شود، اما عباس هرگز تن به این کار نمی داد. می گفت: اول برای همه برادرها و خواهرانم لباس بخردید، بعد اگه مبلغی باقی ماند، برای من هم چیزی بخردید. به همین خاطر همیشه هنگام خرید، اولویت را به خواهران و برادرانش می داد. هر وقت می دید می خواهیم برای او لباس نو تهیه کنیم، می گفت: همین لباسی که به تن دارم، خیلی خوب است. وقتی لباس هاش چرک می شد، بی آن که کسی بداند، خودش می شست و به تن می کرد.

باید کلی اصرارش می کردم تا راضی شود برای خودش چیزی بخرد. صد بار می گفتم: بریم برات کفش بخریم؟ می گفت: الآن نه! آقا چون دستش تنگه. اذیت می شه. می گفتم: می خوام برات ساعت بخرم. می گفت: ساعت می خوام چه کار؟

مدرسه اش دور بود. گفتم: لااقل بذاریه دوچرخه برات بخریم. نمی گذاشت و می گفت: «چرخ قدیمی آقا چون خوبه. باهاش تا مدرسه رو راحت می رم.»^۲

گام بعد، یک کار کلیدی و مهم هست و اون، ارتباط و دوستی با افرادی که احترام به والدین خود می گذارند. چون اخلاق و خصوصیات خوب و بد از طریق دوست به ما منتقل می شود.

بعضی ها نمی تونن جلوی عصبانیتشون را بگیرن و این روی رفتارشون خیلی تأثیرگذاره. اگر احساس می کنیم که زود عصبانی می شویم و نمی توانیم خودمون رو کنترل کنیم، ارتباطمون رو با قرآن زیادتر کنیم و آیه «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَبَيِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي»^۳ رو زیاد بخوانیم.

۱. یادگاران، ج ۷، کتاب شهید خرازی، ص ۳۵.

۲. مجموعه روزگاران، کتاب مادران شهدا.

۳. طه، ۲۵-۲۷.

روضه

خدا هم شرح صدر و صبر به ما عطا خواهد کرد. تو مدینه هم به آقایی که به پهلوانی شهرت داشت، وقتی به مشتم ارادل و اوباش مدینه ریختند در خانه‌اش رو آتیش زدند، صبر کرد و خشم خودش رو فرو برد تا آن جا که صدای ناله حبیبه‌اش رو شنید که می‌فرمود:

«یا ابتاه! یا رسول‌الله! هكذا بَصَّعَ بِحَبِيبَتِكَ وَاَبْتَتِكَ... آه یا فِضَّة خذینی فقد والله قتل ما فی اَحْشَانی!»؛ ای پدرجان! ای رسول خدا! با حبیبه و دختر تو چنین رفتار می‌شود؛ آای فِضه! بیا و مرا دریاب که سوگند به خدا فرزندم در رحم من کشته شد.

چگونه علی علیه السلام را از خانه به مسجد بردند؟ پس از آن که دومی به همراه عده‌ای وارد خانه امیرالمؤمنین علیه السلام شد، حضرت به سوی او شتافت و گریبان او را گرفت و او را بر زمین کوید و خواست او را به قتل برساند، در این حال سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در نظرش مجسم شد و فرمود: «ای پسر کنیز! اگر آنچه خدای متعال برای من نوشته و پیمانی که با پیامبر بسته‌ام، نمی‌بود، می‌دانستی که تو جرأت وارد شدن به خانه مرا نداشتی.»

دومی پس از آن در پی مردم فرستاد و آنها نیز هجوم آوردند و داخل خانه شدند.^۲ طنابی آوردند و برگردن امیرالمؤمنین علیه السلام انداختند.^۳ «ثم اخرجهم بتلابیبهم یساقون سوقا عنیفا».^۴

در بسیاری از روایات آمده: آنان گریبان علی علیه السلام را گرفتند^۵ و لباس‌های آن حضرت را می‌کشیدند تا به مسجد ببرند.^۶ بانوی آزرده و پهلوشکسته - با آن‌که شرایط سختی را پشت سر می‌گذاشت و ضربه‌ها و صدمه‌های فراوان دیده بود - جلو آمد و راه را بر آن گروه بی‌شرم بست و نمی‌گذاشت علی علیه السلام را از خانه بیرون ببرند و می‌فرمود: «به خدا سوگند! نمی‌گذارم پسرعمویم را چنین ظالمانه و کشان‌کشان و از خانه بیرون ببرید.

۱. ترجمه بیت‌الاحزان، ص ۱۵۰؛ فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى.

۲. کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۴.

۳. الاحتجاج، ص ۸۳.

۴. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۴۸.

۵. منافع، ج ۲، ص ۲۴۸.

۶. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۵۰.

وای بر شما! چه زود بر خدا و پیغمبر خیانت کردید و حق ما را رعایت نمودید!».^۱
 بسیاری از آن مردم به خاطر زهرا علیها السلام، علی علیه السلام را رها کردند؛ لکن قنُفَذ که مردی پست و خشن بود، به دستور دومی چنان با تازیانه به پشت و پهلو فاطمه علیها السلام زد که از پا افتاد و نشان آن ضربه‌ها در بدن ایشان تا هنگام شهادت باقی ماند.^۲

قال الصادق علیه السلام: «و كَانَ سَبَبَ وَفَاتِهَا أَنْ قُنْفُذًا مَوْلَى الرَّجُلِ لَكَزَّهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ»؛^۳ سبب وفات فاطمه علیها السلام این بود که قنُفَذ غلام آن مهاجم به دستور اربابش، ایشان را با غلاف شمشیر زد. علامه مجلسی در «بحار الانوار» نقل می‌کند:

هنگامی که جامه علی علیه السلام را می‌کشیدند تا او را به مسجد ببرند،^۴ فاطمه علیها السلام با آن که از درد به شدت رنج می‌برد، خود را به امام رساند و جامه‌ی او را گرفت و به طرف خود کشید و آن همه جماعت را روی هم ریخت... تا این که دومی، شمشیر خالد بن ولید را گرفت و با غلاف آن - درحالی که شمشیر در میان آن بود - مکرر به شانه‌ی فاطمه علیها السلام زد، اما نتوانست دست ایشان را از دامان علی علیه السلام جدا کند، تا این که جامه پاره شد. آن جراحت بر شانه و بازوی زهرای اطهر علیها السلام بود.^۵

مدینه، به زخم دل نمک زدند یکبار فشار در و دیوار مرا کشت
 قنُفَذ به خدا باعث قتل دگرم بود

می‌پرسی چگونه زدند؟ آیا زدن عادی بوده است؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «تُضْرَب الزَّهْرَاءُ نَهْرًا»؛ می‌دانید زهرای من چگونه زده شد؟ زهرا «نهرًا» زده شد. «نهرًا» یعنی راندن؛ یعنی هل دادن. در کوچه زهرا علیها السلام را می‌زدند و هلش می‌دادند و از من جدایش می‌کردند.^۶ مگر در کوچه چه خبر بود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی آن فرد مهاجم جلو زهرا را با حسنتش در کوچه گرفت، ابتدا یک لگد به مادران فاطمه زد: فرفسها برجله».^۷

۱. الکوکب الدرّی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. علم الیقین، ج ۲ ص ۶۸۶.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۰؛ دلائل الامامه، ص ۴۵.

۴. «او اجتماع الناس ینظرون وامتلات شوارع المدینة بالرجال فصرخت وولولت»؛ جمع کثیری از مردم تجمع کرده و نگاه می‌کردند و کوچه‌های مدینه از مردان پر بود؛ پس فریاد و سروصداها بلند بود. (شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۴۹).

۵. ریحانة النبی، ص ۱۳۷؛ جنة العاصمه، ص ۲۵۱.

۶. جنة العاصمه، ص ۲۵۳؛ عوالم العلو، ج ۱۱، ص ۵۷۵.

۷. ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۱۹؛ الاختصاص، ص ۱۸۵.

تو کوچه، فاطمه را کتک زدند مدینه، رنگ حسن پریده بود

نمی‌دانم تو کوچه چی دیده بود

بعد چه کرده است؟ «ثم لطمها». امام مجتبی علیه السلام فرمود: «آن فرد مهاجم فریاد کشید که ای فاطمه! سند را به من بده.» مادرم امتناع کرد و یک مرتبه دیدم که مادرم روی زمین افتاد.^۱

خودم دیدم عدوراهاش گرفته رخ یار علی آتش گرفته

عدو او را به عنوان فدک زد به قصد کشت زهرا را کتک زد

به پیش دیده‌ی فرزند حیدر بزد سیلی چنان بر روی مادر

خودم دیدم حسن پاره جگر شد میان کوچه بر مادر سپر شد

۱. ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۱۹؛ الاختصاص، ص ۱۸۵.

سخنرانی دانش‌آموزی



این سخنرانی برگرفته از کتابچه استاد مهدوی ارفع می‌باشد.

موضوع: چگونه حال خوش معنوی را حفظ کنیم؟ مخاطب عموم و به‌ویژه جوانان و نوجوانان.

حوزه مبحث: اخلاقی - تربیتی.

موقعیت: اعتکاف زیارت، مشاهد مجالس و عظ و توسل.

مقدمه: ایجاد توجه بیداری و به تبع آن، حال و وجد معنوی در انسان، که شیطان و لشگریانش از چهار جهت او را احاطه کرده‌اند، اگرچه کار ساده‌ای نیست، اما از آن سخت‌تر حفظ و حراست از حال و یقظه‌ای است که گاه به برکات آیات و روایت و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام حاصل می‌شود. به باد ندادن سرمایه‌ای که در لحظات وزش نفحات الهی به دست آورده‌ایم، امری است که اکثر افراد درباره آن از ما می‌پرسند؛ ولی اکثراً نیز پاسخ مشخصی از ما دریافت نمی‌کنند. برای رسیدن به پاسخ این پرسش، باید مباحث زیر را به ترتیب برای مخاطب تشریح کرد.

۱. ما آمده‌ایم تا عبدالله بشویم، نه عبدالحال. درست است که توجه به خدا و معنویات در انسان حال و وجد خاصی به وجود می‌آورد، اما هدف از مناجات و بالاتر، هدف از بندگی، رسیدن به حال و وجد و... نیست. شاید عبادت نکردن برای پیدا کردن حال نیز یکی از مراتب اخلاص باشد روزی در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام طلبه نوجوانی به مرحوم آیت‌الله بهجت (اعلی الله مقامه الشریف)

عرض کرد: آقا! لطفاً یک چیزی به من بگویید تا حال پیدا کنم. آقا بلافاصله با خوشرویی فرمودند: «کاغذ و قلمت را در بیاور تا چیزی بگویم که حال پیدا کنی.» طلبه ساده با اشتیاق قلم و کاغذ آماده کرد تا بنویسد. آقا فرمودند: «بنویس: جاء زیدٌ راکباً؛ حالا برو حالش را پیدا کن!».

۲. براساس قانون علت، حال معنوی و به تعبیر بهتر توجه به ملکوت و بریدن از تعلقات پست، معلول علتی است که هرگاه آن علت باشد، معلول هم لاجرم موجود خواهد شد؛ وگرنه این حال نیز پیدا نمی‌شود. علت این که گاهی قلب ما یک سره از کثرات و تعلقات پست دنیوی منقطع و به سوی ملکوت متوجه می‌شود، چیست؟ آیا این یک فرآیند اتفاقی و خارج از اختیار است؟ یا قابل کنترل و در نتیجه قابل تکرار و استدامه است؟ علت بروز این حال را می‌توان در عوامل مختلفی جست‌وجو کرد. حضور در جمع و محفلی که از یاد خدا انباشته و از یاد غیر او تهی است و با اذکار و اورادی که بر زبان جاری است و از این طریق آرام آرام بر دل تأثیر می‌کند، همچون تلقینی که بر میت می‌خوانند. آیت‌الله خوشوقت در بیان علت دستور به ذکر کثیر فرمودند: «وقتی شما به عدد کثیر ذکر شریف تهلیل را می‌گویید، همه را با توجه نمی‌گویید؛ ولی در هر چند ذکر، یکی را با توجه می‌گویید و همین یکی اثر می‌گذارد. ادامه می‌دهید و دوباره بعد از چند ذکر، یکی را با توجه می‌گویید که اثر می‌کند و به همین ترتیب تا آخر و اگر بر ذکر کثیر مداومت کنید، به تدریج فاصله ذکرهایی که با توجه ادا می‌شوند، کم و کمتر می‌شود، تا جایی که همه آنها را با توجه خواهد گفت.»

با دردها و غصه‌هایی که شما را از دیگران غافل و به خودتان مشغول کرده است و یا ... همه این عوامل به عنوان زمینه‌ساز و معدات هستند و آنچه که علت اصلی رسیدن به حال معنوی در توسلات و مناجات می‌باشد، همان چیزی است که در زبان اهل معنا گاهی به معرفت تعبیر می‌شود که حافظ شیرازی می‌فرماید:

بی معرفت مباش که در من یزید عشق اهل نظر معامله با آشنا کنند
و گاهی به تشنگی، همچنان که فرمود:

آب کم جو تشنگی آور به دست و گاهی به درد
تا که آیت جوشد از بالا و پست
طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک
چو درد در تو نبیند که را دوا بکند؟

یا به قول مولوی در دیوان شمس تبریزی:

مرد را دردی اگر باشد خوش است درد بی دردی علاجش آتش است
به هر حال، مقدمه و زمینه اصلی برای رسیدن به معنویت، معرفت و درد و تشنگی است. معرفت نه علم؛ درد انسانی، نه درد حیوانی؛ تشنگی حقیقت، نه عطش مادی. پیش نیاز این درد و عطش، اندکی تفکر است و در پی آن مدتی مراقبه؛ اما تفکر در چه و مراقبه از چه؟

تفکر در این که: من کیستم؟ آیا همین تن و غرایز و نیازهای حیوانی ام؟ با همین ذهن و حافظه و قدرت یادگیری و اندیشیدنم؟ یا علاوه بر همه اینها رشحه ای از روح الهی ام که در من استعداد خدایی شدن نهفته:

روزها فکر من این است و همه شب سختم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
به کجا می روم آخر نمایی وطنم؟
ز کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود؟

حاصل این فکر - در صورتی که خالص برای خدا باشد، نه هیچ چیز دیگر - به علاوه ذکر، احیای فطرتی است که زنده به گورش کرده ایم. او خود جواب همه این پرسش ها را می دهد:

مرغ باغ ملکوتم نی ام از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم
من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد در این دیر خراب آبادم

مراقبه از چه؟ مراقبت از این که حالا که بیدار شده‌ام، نباید دوباره بخوابم. باید اسباب غفلت را بشناسم و خود را از آنها برحذر بدارم؛ اسبابی نظیر: هم نشین بد؛ دوری از محفل اهل علم؛ انس با بطلین؛ ... چه زیبا در دعای ابو حمزه ثمالی حضرت سجاد علیه السلام به این درد و درمان اشاره می‌کند و در پایان، ده عامل برای مرگ روح و افتادن از چشم خدا برمی‌شمارد، آن جا که عرضه می‌دارد: «اللهم إني كلما قلت قد تهيات و...» و آن ده عامل مرگ معنوی را این گونه معرفی می‌کنند: «سیدی لعنک ... او لعنک او لعنک ...» این عوامل عبارتند از:

- رانده شدن از درگاه لطف الهی و خدمت و بندگی او به واسطه اعمال ننگین خودم؛

- کوچک شمردن حقوق الهی، مانند استخفاف به نماز، حجاب، خمس و ... و روی برگرداندن از خدا که عبارت است از نادیده گرفتن رضا و نارضایتی او در تصمیمات خودم؛

- دروغ‌گویی در رابطه خودم با خدا، قول دروغ به خدا دادن توبه دروغ و ...؛

- ناشکری و ناسپاسی قلبی، زبانی و عملی؛

- عدم حضور در مجالس علما که مهم‌ترین مجالس یاد خدا هستند؛

- انس با غافلان و اهل خدا فراموشی؛

- انس با مجالس بطلین و اهل لهو و لعب؛

- نفرت و ابای خدا از شنیدن صدای من؛

- جرم و جریره خودم؛

- کم‌حیایی در محضر خداوند.

روشن است که مراقبت از همین یازده عامل می‌تواند عوامل قطع حال معنوی حاصل از اعتکاف، زیارت مقبول، نماز با حضور قلب و توسل با توجه

و اشک را برطرف سازد. البته در روایات، برخی اذکار و راه‌ها برای حفظ و دوام سرور معنوی ارائه شده است که از جمله مهم‌ترین آنها صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است. نمونه‌ای از این روایات را از کتاب شریف بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی آورده‌ایم:

«مَنْ سَرَّ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْظِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدرجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي مَتَّ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِفْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيِيَهُ وَارْزُقْنِي صَحْبَهُ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مُشْرَبًا رَوِيًّا سَابِعًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ كَمَا أَمَنْتَ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرَفْنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا فَإِنَّ مِنْ صَلَى عَلَى النَّبِيِّ بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ هَدَمَتْ دُنُوبَهُ وَ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَ دَامَ سُرُورُهُ وَ اسْتَجَبَ دُعَاؤُهُ وَ أُعْطِيَ أَمَلَهُ وَ بَسِيطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ أُعِينَ عَلَى عَدُوهِ وَ هِيَ لَهُ سَبَبُ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ وَ يُجْعَلُ مِنْ رُفْقَاءِ نَبِيِّهِ يَوْمَ يَدْخُلُ فِي الْجَنَانِ الْأَعْلَى يَقُولُهُنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ عُدْوَةٌ وَ ثَلَاثًا عُنِيَّةٌ»^۱.

آثار و نتایج

۱. اعتماد بیشتر به عنایت الهی و حفظ شدن از سستی در اصلاح نفس؛
۲. گرایش بیشتر جوانان به آداب و رعایت آن و پرهیز از هنجارشکنی‌های به ظاهر ساده و کم‌اهمیت؛
۳. تشویق جوانان به ادعیه و مجالس اهل علم و معارف ناب اسلامی، با هدف حفظ خود و حال معنوی حقیقی.



بازی‌های اعتکاف



بازی‌های اعتکاف شامل سه نوع بازی مفهومی و تحرکی و درون حلقه‌ای است:

الف) بازی‌های مفهومی

۱. بازی‌های تصویری مفهومی

هدف: دادن پیام‌های معرفتی برای دانش‌آموزان.

تعداد: بازیکنان از چهار نفر نهایتاً هفت نفر.

به این صورت است که چند عکس که نمونه‌اش هم در جزوه آمده، به معتکفین نشان داده می‌شود و سپس همه، برداشت‌های خود را نسبت به عکس می‌گویند و در نهایت مربی درباره مفهوم عکس توضیح می‌دهد و پیام‌های مناسب را بیان می‌کند. ضمناً همه مربیان از قبل محتوای متناسب را باید با همدیگر کار کرده باشند و به یک جمع‌بندی رسیده باشند تا جلوی بچه‌ها یک بیان را به آنها ارائه بدهیم. عکس‌ها اگر چاپ رنگی شده باشد، جذاب‌تر است. فقط نوشته‌های کنار عکس‌ها را نباید دانش‌آموزان در ابتدای بازی ببینند.



۲. جورچین (پازل) محتوایی

هدف: دادن پیام‌های متناسب با محتواهای درون حلقه.

تعداد: بازیکنان با توجه به گسترش بازی می‌تواند از چهار نفر تا هشت نفر باشد.

از یکی از مریبان دعوت می‌کنیم تا برای بچه‌ها ده دقیقه صحبت کند. در میان این صحبت‌ها مربی به آیات و احادیث و اشعار و جملاتی از شهدا اشاره می‌کند که از همین جملات چند دسته کارت تهیه شده؛ مثلاً به هر حلقه هشت دسته کارت می‌دهیم که در هر بسته یک آیه یا شعر یا جمله شهید و غیره نوشته شده است و بعد از سخنرانی بچه‌ها شروع به مرتب کردن آن جملات می‌کنند و طبیعتاً هر گروه که دسته جملات را سریع‌تر آماده کند، برنده است.

۳. نقشه گنج

هدف: دادن پیام‌های متناسب با محتواهای درون حلقه.

تعداد: بازیکنان با توجه به گسترش بازی می‌تواند از چهار تا هشت نفر باشد.

این بازی به این صورت است که برای هر حلقه از دانش‌آموزان طی چندین مرحله کارهایی را تعریف می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم: هر حلقه باید ده کار را انجام بدهد و هر کدام زودتر به مقصد رسید، برنده است؛ مثلاً می‌گوییم کار اول این است که در بین صفحات ده تا سی قرآن ببینید حضرت موسی علیه السلام به همسر خود چه گفت؟ و کلمات اول و وسط و آخر آن جمله‌ای که حضرت به همسرش گفت، می‌شود اسم کار دوم و همین طور تا ده مرحله این کار ادامه پیدا می‌کند. این بازی قابلیت گنجاندن محتواهای بسیاری دارد که هرچه روی آن تامل شود، بازی زیباتر و طولانی‌تر می‌شود.

ب) بازی‌های تحرکی

۱. طناب‌کشی

هدف: تخلیه انرژی بچه‌ها.

تعداد: دو تیم حداقل ۳ نفر تا هفت نفر.

این بازی برای خسته کردن و گرفتن انرژی دانش‌آموزان است و به این صورت است که بازی بین حلقه‌هاست و هر حلقه‌ای که به هفت بُرد برسد، برنده می‌شود و به مصاف حلقه بعدی می‌رود. باید توجه داشت که تا می‌توان باید انرژی بچه‌ها را در این بخش گرفت.

۲. تیز و بُز

هدف: تخلیه انرژی بچه‌ها.

تعداد: دو تیم که هرکدام از تیم‌ها از سه نفر تا هفت نفر تشکیل می‌شود.

این بازی به این صورت است که یک شیء وسط گذاشته می‌شود و هر گروه، مقابل همدیگر قرار می‌گیرند و با صدا زدن داور بازی، هر دو بازیکن برای برداشتن آن شیء وسط، به سمت آن می‌دوند و هرکدام توانست آن شیء را به سمت خود ببرد، برنده است. نکته بازی این است که اگر نفر اول دست به شیء زد و آن شیء را در دست گرفت و نفر مقابل با دست خود به آن نفری که شیء را در دست گرفته، ضربه بزند، کسی که با دست زده، برنده است و طرف مقابل بازنده می‌شود.

۳. والیبال نشسته

یک بازی معمولی که بین همه افراد رایج است و هم باعث نشاط جمعی و هم باعث تخلیه انرژی دانش‌آموزان می‌شود.

ج) بازی‌های درون حلقه‌ای

۱. تغییر فضای اتاق؛
۲. دوزبازی؛
۳. گل یا پوچ؛
۴. سؤالات جذاب؛
۵. جاسوس بازی؛
۶. چشمک؛
۷. رد کن بره؛
۸. والیبال نشسته؛
۹. پانتومیم (نرم افزارش در بازار هم هست)؛
۱۰. بازی فکری مثل: اونو؛ جاده درست‌کن؛ برج هیجان؛ جنگل مخوف؛ مونوپولی.



پوستر شهدا



یازار لاس

نور حلال

خیلی به بیت‌المال حساس بود. گاهی در پایگاه درس می‌خواند. هنگامی که می‌خواست درس بخواند، از پایگاه خارج می‌شد و در راهرو می‌نشست. چراغ‌های راهرو در شب روشن است. آنجا در سرما می‌نشست و درس می‌خواند.



وقتی به ایشان می‌گفتمیم «چرا اینجا درس می‌خوانی؟»، می‌گفت: «من این درس را برای خودم می‌خوانم. درست نیست از نوری که هزینه آن از طریق بیت‌المال پرداخت می‌شود، استفاده کنم.»



شهید مدافع حریم اهل بیت، محمدهادی ذوالفقاری

قلکی برای اردوهای جهادی

محسن بعد از آنکه وارد سپاه شد، عصرها به کتاب‌فروشی می‌آمد و پولی را که از قبل این کار به دست می‌آورد، برای اردوهای جهادی کنار می‌گذاشت. رشته تحصیلی محسن برق ساختمان بود و برق‌کشی ساختمان‌ها را نیز انجام می‌داد و پول دستمزدش را در قلکی که برای این کار کنار گذاشته بود، نگه می‌داشت و هر دفعه که به اردوی جهادی می‌رفتیم، ۳-۴ میلیونی را که جمع کرده بود، خرج اردو می‌کرد.



منبع: خبرگزاری تسنیم
راوی: حمید خلیلی
شهید مدافع حریم ولایت محسن حججی

